

تحلیلی بر رویکردهای نظریه‌ای پدیده وندالیسم در فوتبال (چالش‌ها و راهکارهای کیفی)

رضا حیدری آفاگلی^۱ * علیرضا میلانی^۲

چکیده

با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های منحصر فوتبال نسبت به سایر ورزش‌ها از جمله طرفداران زیاد و تماشاگران و تحت تأثیر قرار دادن آن در حوزه‌هایی مانند سیاست، رسانه‌ها و هویت‌های ملی و منطقه‌ای و از همه مهم‌تر کارکردهای فراوان مثبت آن به مانند هر پدیده اجتماعی دارای کارکردهای منفی نیز مانند خشونت، پرخاشگری و وندالیسم، نژادپرستی و ابزار سیاسی می‌باشد. در این میان هرچند وندالیسم و اوباشگری در فوتبال از قدمت چندانی برخوردار نیست، بررسی علمی آن بدون توجه به نظریه‌های کج رفتاری و انحرافات اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد بود. به طور کلی حضور تماشاگران در رقابت‌های ورزشی پیامدهای مثبت و منفی زیادی دارد. اوباشگری تماشاگران از پیامدهای منفی تماشاگران در ورزش است که رشته ورزشی فوتبال به دلیل حجم بالای تماشاگران، زمینه مساعدی را برای بروز آن فراهم می‌کند. هدف این مقاله شناخت مهم‌ترین تئوری‌های ارائه شده در زمینه وندالیسم و پرخاشگری است. در پژوهش حاضر ضمن تشریح کلیاتی از نحوه مقابله حقوق کیفی با اوباشگری تماشاگران در فوتبال، به طور خاص، مشخصات خاص تماشاگران فوتبال و نیز مشکلات برخورد با رفتار جمعی تماشاگران به عنوان مهم‌ترین چالش‌هایی که سبب شده حقوق کیفی نتواند از حداکثر ظرفیت خود برای مقابله با این پدیده استفاده کند، بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: فوتبال، اوباشگری، وندالیسم، تماشاگران، سیاست کیفی

فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی المپیک • سال اول • شماره چهارم • پاییز ۹۹ • صص ۱۶۱-۱۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۴/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۷/۵

۱. دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر قدس، ایران و رئیس فدراسیون کونگ‌فو و هنرهای رزمی، نویسنده مسئول (rezaheydari.toa@gmail.com)
۲. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، ایران (alirezamillani@yahoo.com)

مقدمه

رشد سریع شهرنشینی و ارتباط با تحولات جهانی، از یک سو سبب شده است جوامع در حال گذر با تغییرات متنوع و با تضادهای بسیاری روبه‌رو شوند و از سوی دیگر، عدم تطابق و رشد ناهماهنگ عناصر مادی و غیرمادی فرهنگ در این جوامع مشکلات عدیده‌ای را در ساختار اجتماعی به وجود آورده است. از این حیث، وجود مسائل اجتماعی متأثر از فرایندهایی، چون تأخر فرهنگی، بی‌هنجاری، تضاد اجتماعی، از خود بیگانگی به بروز پیامدها و آسیب‌های اجتماعی منجر می‌گردد. از جنبه دیگر، در سطحی وسیع‌تر، جوامع دچار بی‌سازمانی و ازهم گسیختگی اجتماعی می‌شوند. این بی‌نظمی‌ها به عدم تعادل اجتماعی، افزایش آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی منجر می‌گردد. «ایران نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه و گذار از مرحله سنتی به مدرنیسم از این قاعده مستثنی نبوده و با تغییرات و دگرگونی‌های سریع و وسیعی در ساختارهای اصلی خود، به خصوص ساختارهای فرهنگی و اجتماعی با این تغییرات مواجه است.» (فاضل و همکار، ۱۳۸۷: ۷-۸).

با توجه به این بحث، پدیده وندالیسم یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد مسائل اجتماعی و آسیب‌های شهری است. این پدیده خسارت‌های مالی و غیرمادی را برای جوامع شهری به همراه می‌آورد، نیاز مقابله با آن بیش از پیش در سطح مدیریت شهری جوامع، از جمله ایران ضروری است. وندالیسم به عنوان یک آسیب اجتماعی، به خصوص در جوامع مدرن ظهور و بروز گسترده‌ای یافته است. نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد، بخش‌های مختلف جامعه در هر سال متحمل آسیب‌های گسترده و شدیدی از اعمال وندالیستی است و با وجود کامل نبودن اطلاعات و آمار مستند و ثبت شده در این حوزه، ارقام موجود گویای وسیع بودن خسارت‌های ناشی از اعمال وندالیستی در جامعه است. یافته‌ها در حوزه‌ها از جمله ورزش نیز نشان از آن دارند که شدت و وسعت وندالیسم در ایران ابعاد جدی و قابل توجهی دارد» (دغاقله و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۹-۹۰).

تخریب‌گرایی (وندالیسم) و اوباش‌گری از جمله کارکردهای منفی ورزش فوتبال است که کسب آگاهی نسبت به عوامل به وجود آورنده آن امری مهم و ضروری است، بقای فوتبال به عنوان پرطرفدارترین ورزش دنیا و درآمدهای کلان آن، به حضور تماشاچیان در ورزشگاه‌ها بستگی دارد. تعداد تماشاگرانی که امروزه برای دیدن مسابقات مهم فوتبال به ورزشگاه می‌روند، به هیچ وجه از لحاظ کمیت با تماشاگران گذشته قابل مقایسه نیست، در حال حاضر استقبال از فوتبال مثل گذشته نیست، ورزشگاه‌هایی که امروزه برای فوتبال ساخته شوند، فضایی برای قریب به صدهزار نفر تماشاگر را در نظر می‌گیرند. پیش‌بینی این تعداد سکو برای تماشاگران فوتبال، اگرچه از منظر کارکردهای مثبتی که برای حضور تماشاگران برشمرده می‌شود، بسیار مفید خواهد بود و موجب جذاب‌تر شدن رشته ورزشی فوتبال خواهد شد. باید توجه داشت حضور تعداد زیادی از افراد در یک جا، خطر بالقوه‌ای را ایجاد خواهد کرد که در کنار ناهماهنگی در انجام مسابقه، داوری ناعادلانه، ضعف در برنامه‌ریزی یا کمبودهای ساختاری مجموعه ورزشی می‌تواند سبب بروز احساسات، هیجانات و واکنش‌های نابهنجار تماشاگران به صورت شعار پرتاب اشیا، فحاشی، آشوب، تخریب ورزشگاه یا آسیب رساندن به دیگران شود (رحیمی و دیگران، ۱۳۸۰: ۴۰).

محققان علوم مختلف در کشورهای متعدد برای آسیب‌شناسی رفتارهای نابهنجار تماشاگران تاکنون تلاش‌هایی کرده‌اند. برای نمونه اوباشگری تماشاگران در ورزش از جمله پدیده‌هایی است که از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی بسیار بررسی شده و پژوهش‌های زیادی نیز تاکنون در این زمینه انجام گرفته است. نتایج این تحقیقات طی طرح‌های مختلف و در بازی‌های زیادی استفاده شده است، اما هیچ‌گاه نتوانسته‌اند به اهداف مطلوب و مورد نظر برسند و اوباشگری تماشاگران در ورزش را ریشه کن کنند. ناامیدی از مقابله بنیادین و مؤثر با اوباش‌گری در تماشاگران فوتبال به حدی پیشرفت کرده است که برخی معتقدند: «خشونت در تماشاگران فوتبال از بین نمی‌رود، مگر اینکه مسابقه فوتبال را بدون تماشاگر برگزار کنیم» (ایولاسال، ۱۳۷۹: ۳۴۵).

مسئله بسیار حائز اهمیت این است که امروزه ضمانت اجرای کیفری تنها راهکارهای حفاظت قانونی از هنجارها و گفت‌وگو رسمی رایج نمی‌باشند. سیاست جنایی که دهه‌های متمادی در بردارنده مفهوم حقوق کیفری و شیوه‌های جزایی کنترل اجتماعی

بوده، امروز و در پرتو آموزه‌های حقوق بشری و توجه ویژه به علوم قرار گرفته است. سیاست کیفری جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تبدیل به نگره مترقی شده است و به تعریف پروفیسور دلماس مارتی، امروز، دیگر کاربست‌های کیفری در قلمرو سیاست جنایی تنها نیستند، بلکه حول آنها شیوه‌های دیگر کنترل اجتماعی از نوع غیر کیفری (مانند ضمانت اجراهای اداری)، غیر سرکوبگر مانند پیشگیری، جبران و ترمیم خسارت، میانجیگری (و گاه حتی غیردولتی) مانند اقدام‌های سازمان‌های صنفی و یا حقوق بشری مشغول اینفای نقش می‌باشند.

بدیهی است این حرکت رو به جلو پیش از آنکه ناشی از یک اراده خاص باشد، در پی توجه صحیح به واقعیات انسانی و اجتماعی صورت گرفته و آثار مثبت و فواید نگرش عام کیفری به هنجارها و کثروی‌های اجتماعی، مشوق دولت‌ها در بذل هرچه بیشتر اهمیت به روش‌های کنترلی اینگونه بوده است. البته قابل کتمان یکی از مؤثرترین شیوه‌های حافظت از ارزش‌های هر جامعه است؛ اما (مجازات) نیست که هنوز و همچنان میزان، چگونگی و شدت آن به طور مستقیم در رابطه با سایر شیوه‌های کنترلی قابل تعریف و تعیین خواهد بود. به نظر می‌رسد بحث پیشگیری از وقوع کثروی اعم از مجرمانه و غیرمجرمانه، باید به صورت همزمان در دل هر دو دسته پیشگیری‌های کیفری (عام) و غیر کیفری جست‌وجو شود و به علاوه در پیشگیری‌های کیفری نیز بررسی بی‌طرف آثار هرگونه از مجازات‌ها مورد توجه خاص سیاست‌گذاران قرار گیرد. جوامع انسانی به علت ذات بشر حالتی دینامیک و پویا داشته و تغییرات فرهنگی و عمومی در آنها، ناگزیر است؛ به همین منوال شکل‌گیری شرایط جدید، مسائل تازه و به تبع کثروی‌ها و البته جرایم نوین را در پی خواهد داشت و هر قدر دستگاه سیاست‌گذاری و متولیان امور اجتماع سرعت و دقت بیشتری در تشخیص مسائل جدید داشته باشند، اقدامات اساسی برای پیشگیری و کنترل کثروی‌های احتمالی، امکان بهتر و بیشتری خواهد داشت.

نظر به اینکه با وجود تدابیر کیفری وسیعی (در معنای اعم) که برای مقابله با خشونت ورزشکاران و اوباشگری تماشاگران در فوتبال اندیشیده می‌شود، هنوز هم شاهد حوادث تلخ و ناگواری در این حوزه هستیم، از این رو می‌توان عدم توفیق در مقابله با این پدیده نابهنجار در ورزش فوتبال را به عنوان شکست رویکردهای اتخاذی تلقی کرد. در این مقاله سعی می‌شود تئوری‌های نظری و نندالیسم و اوباشگری در بین تماشاگران مطرح گردد. هر

کشور با توجه به ساختار و ویژگی‌های خود می‌توانند با استفاده از تئوری‌های نظری، به آسیب‌شناسی این موضوع بپردازد. در ادامه با توجه به نظریات مطرح شده، این پرسش اساسی مطرح است که اساساً سیاست کیفری در مقابله با پدیده خشونت در ورزش و به طور خاص اوباشگری تماشاگران فوتبال با چه چالش‌هایی مواجه است که قادر نیست از تمام ظرفیت و توان خود استفاده کند؟

۱. روش تحقیق

در این مقاله از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و تکنیک کتابخانه‌ای اقدام به جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها شده است. در مقام پاسخ به پرسش‌های طرح شده، در ابتدا مفهوم و مصادیق اوباشگری تماشاگران در فوتبال تشریح و سپس راهبردهای حقوق کیفری برای مقابله با آن بیان می‌شود و در نهایت چالش‌هایی که سبب عدم کارایی حقوق کیفری در مواجهه با این پدیده شده است، مطرح می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

رحیمی و همکاران (۱۳۸۰) در تحقیق خود بیان داشته‌اند که ساختار نامناسب ورزشگاه‌ها، مهم‌ترین عاملی است که باعث نارضایتی تماشاگران می‌شود و اکثر مجموعه‌ها و استادیوم‌های فوتبال کشور، باید به نحوی مورد بازسازی و نوسازی قرار گیرند. در تحقیق الهی و پورآقایی (۱۳۸۴) وضعیت استادیوم‌های فوتبال کشور بر اساس برخی ویژگی‌های امنیتی بررسی شد که طبق آن، وضعیت بیش از ۸۰ درصد استادیوم‌ها در شاخص‌هایی همچون وجود مکان مناسب برای تفتیش بدنی تماشاگران در بدو ورود به استادیوم‌ها، سرپوشیده بودن محل عبور بازیکنان و داوران از رختکن‌ها به زمین مسابقه و نیز وجود محل‌های ویژه نصب دوربین مخفی در استادیوم، متوسط به پایین (متوسط، ضعیف و بسیار ضعیف) ارزیابی شد. قاسمی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود، نقش برخی متغیرهای پیش وضعی، همچون متغیرهای مرتبط با نیروی انتظامی، رضایت از عوامل وضعیتی، استفاده از رسانه‌های جمعی و قرار گرفتن در جماعت انبوه تماشاگران را در تبیین وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال آزمودند. نتایج نشان داد که هیجان‌طلبی و عقده‌گشایی، سابقه درگیری و نزاع، تیم‌گرایی، ازهم‌گسیختگی روانی خانواده، تأثیرپذیری از گروه همسالان، تماشای فیلم‌های خشونت‌آمیز، کنترل پلیس، جماعت ارائه الگوی عوامل

تأثیرگذار بر امنیت رویدادهای ورزشی ایران انبوه، بحران‌ها وقایع زندگی، رضایت از عوامل وضعیتی، سابقه رفتار مجرمانه و تحریک مطبوعات ورزشی، به طور معناداری واریانس متغیرهای وندالیسم و اوباشگری را تبیین می‌کنند.

اسدی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود، ابعاد مختلف امنیت گردشگری ورزشی ایران، از دیدگاه گردشگران ورزشی خارجی حاضر در رویدادهای داخل ایران را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج نشان داد که گردشگران ورزشی - قبل از سفر به ایران - در مورد عوامل محل امنیت؛ نظیر دزدی، ناامنی در حریم شخصی و پرخاشگری اجتماعی، احساس ناامنی می‌کردند؛ اما پس از حضور در ایران، این احساس ناامنی به میزان قابل توجهی کاهش پیدا کرد.

مهاجرین (۱۳۸۹) در تحقیقی به موضوع خشونت و پرخاشگری ورزش در فوتبال ایران پرداخته و در مبحث راهکارهای کنشی بلندمدت، به اتخاذ تمهیدات در حوزه آموزشی و فرهنگی در دو محیط خانواده و مدرسه، هماهنگی نظام‌مند و فرابخشی نهادهای اجتماعی پیشگیرانه و برنامه‌ریزی، مدیریت اوقات فراغت نوجوانان و جوانان و اصلاح ساختار برخی رسانه‌های جمعی تحریک‌آمیز و همچنین در راهکارهای کنشی کوتاه‌مدت به ساماندهی زمان خاموشی مسابقه، ترویج سازوکارهای کنترل خشونت فردی، تسهیل و بهبودسازی امکانات و تجهیزات طرفداران فوتبال، ساخت‌وساز بهینه با رعایت استاندارد در ورزشگاه، حساسیت‌زدایی از برخی مسابقات، ارتقای سطح کیفی داوری، نظم‌دهی به کانون هواداران و کنترل لیدرها، بسترسازی برای تخلیه هیجانات جمعی، ایجاد فضای گفت‌وگو میان طرفداران و مسئولان در خصوص پاره‌ای از مشکلات اعمال سیاست‌های اصلاحی مؤثر بر برخی از عوامل خشونت‌زا در ورزشگاه، سامان‌بخشی بلیت‌های الکترونیکی، حضور زنان در ورزشگاه و تهیه راهکارهای واکنشی قضایی به جرم‌انگاری غوغاگری ورزش، اقدامات تأمینی - تربیتی در قبال غوغاگران، همکاری دستگاه قضایی با دستگاه انتظامی و در بخش راهکارهای واکنشی انتظامی؛ تأسیس پلیس ویژه ورزشگاه، افزایش کمی و کیفی کارکنان نیروی انتظامی، بهره‌گیری از نیروهای کنترل نامحسوس در میان جمعیت‌های ورزشی، راه‌اندازی دوربین‌های مداربسته در ورزشگاه و بیرون از آن و ممانعت از ورود سرکردگان غوغاگری ورزشی و نظارت بر آنها در روز مسابقات را به خوبی ارائه کرده و در پایان الگوی پیشگیری از غوغاگری ورزشی

در فوتبال ایران را ارائه داده است.

شهابی و همکاران (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان نقش پلیس در مواجهه با رفتارهای خشونت‌آمیز تماشاگران در ورزش فوتبال شهر پلیس را یکی از ارکان مهم مدیریت رفتار تماشاگران در کاهش پرخاشگری و هیجانات حاضران در ورزشگاه معرفی کرده است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی و آزمون رگرسیون چندمتغیره، حاکی از تأثیر عامل امکانات ورزشگاه محل برگزاری مسابقه فوتبال و نیز وضعیت و شرایط برگزاری مسابقه به عنوان مهم‌ترین عوامل مدیریتی مؤثر بر نقش ناچا، در رویارویی با رفتارهای خشونت‌آمیز تماشاگران در ورزش فوتبال در شهر تهران است.

عبری‌آبادی (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان بررسی رفتارهای جمعی هواداران دو باشگاه طرفدار شهر تهران در مسابقات لیگ حرفه‌ای فوتبال سال ۸۲-۱۳۸۱ به گونه‌شناسی و سبب‌شناسی رفتارهای جمعی هواداران دو باشگاه پرداخته بود.

۳. مبانی نظری

۳-۱. مفاهیم و ماهیت پدیده وندالیسم (تخریب‌گرایی) و اوباش‌گری

ورزش انعکاسی از جامعه است و می‌توان انتظار داشت که مانند بسیاری از تظاهرات اجتماعی دیگر، بعضی از ویژگی‌های ناپسند انسان‌ها مانند خشونت، ارتشا، تبعیض، شرارت، اوباش‌گری نیز در آن دیده شود. هر چند میزان این انحرافات بستگی به انحراف و خشونت در جامعه دارد. با تجاری شدن، کالایی شدن، نمایشی شدن و جهانی شدن فوتبال، انواع مختلفی از کج‌رفتاری‌ها و انحرافات در سطوح مختلف آن بیشتر شده است. از جمله این انحرافات وندالیسم و اوباش‌گری است. برای بررسی مفهوم و معانی لغوی واژه تخریب‌گرایی ناگزیر به معنای آن در زبان انگلیسی اشاره داشت. از نظر لغوی واژه تخریب‌گرایی به خراب کردن اموال و اماکن عمومی در سطح شهر و فضاهای مرتبط با آن اشاره دارد (رزاقی، ۱۳۸۶: ۱۰۰)

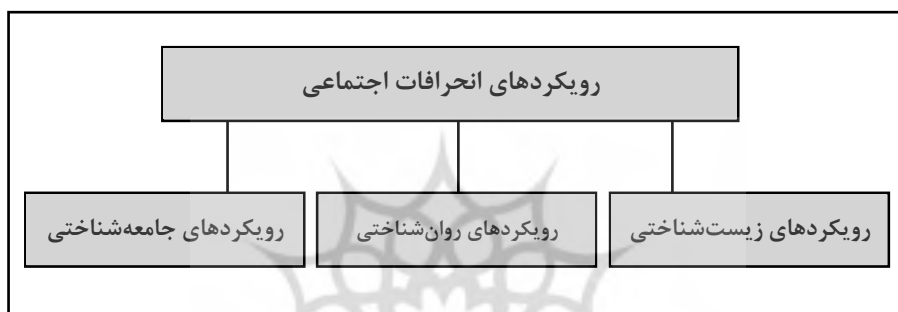
لغت‌نامه‌های فارسی مانند دهخدا از واژه تخریب‌گرایی در مقابل وندالیسم نام می‌برند و آن را خراب کردن و ویران کردن معنی کرده است. بر اساس تعریف واژه تخریب‌گرایی در فرهنگ آکسفورد، این واژه در سال ۱۶۶۳ میلادی به تخریب جاهلانه یا آگاهانه هر چیز زیبا، محترم و حفاظت‌شده‌ای اطلاق می‌شود که به تدریج هر گونه رفتار مخرب، بی‌پروا،

بی‌فرهنگ و بی‌رحمانه را شامل شد و آن را در مباحث انحرافات و آسیب‌های اجتماعی ذکر می‌کنند. عکس‌العملی خصمانه و واکنشی است کینه‌توزانه به برخی از صورت فشارها، تحمیلات، ناملایمات، حرمان‌ها، اجحافات و شکست‌ها (شکریگی، ۱۳۸۵: ۳).

وندالیسم در همه جا وجود دارد و تقریباً همه شاهد عوارض آن بوده‌اند، آثار وندالیسم روی در و دیوارهای شهرها، قطارها، سینماها، آسانسورها، پارک‌های عمومی، ورزشگاه‌ها و دیوارهای شهرها، آثار تاریخی و وسایل و تجهیزات عمومی مشاهده می‌شود. این مقاله بیشتر بر روی رفتارهای وندالیسمی اشاره دارد که در مسابقات ورزشی و زمان بعد از آن روی می‌دهد که منجر به تخریب اموال ورزشگاه‌ها، اتوبوس‌های شهری، مترو، باجه‌های تلفن، شیشه بانک‌ها و ایجاد ضرب و جرح در مکان‌های ورزشی و اطراف آن می‌شود. از دیدگاه اجتماعی وندالیسم را می‌توان در پنج گروه مال‌اندوز (صدمه‌های وارده برای کسب پول و اموال است)، تاکتیکی (برای حصول دارایی و مقصود خاص است)، انتقامجو (جهت تخریب اموال به قصد انتقام)، تفریحی (همراه باخصومت و تفریح و رقابت) و خصومت (همراه با خشونت) طبقه‌بندی کرد. وندالیسم‌ها مانند دیگر انواع انحرافات اجتماعی، دارای نتایج و آثاری چون اختلال نظم عمومی، فرسایش کیفیت زندگی شهری، ایجاد افت کاری از فضاهای عمومی و وسایل شهر، ایجاد و افزایش احساس ترس و ناآرامی و نابهنجاری، زیان‌های اقتصادی فراوان، افت رفاه و آسایش شهروندان را به دنبال دارد. پیرسون (۲۰۰۶) اوباش‌گری فوتبال را اغلب اغتشاشاتی می‌داند که توسط هواداران فوتبال انجام می‌شود، بودین، هیت و ردین (۲۰۰۴) معتقد است اوباش‌گری به معنای خشونت نشان داده شده به وسیله گروهی از هواداران فوتبال در داخل و خارج استادیوم‌ها می‌باشد که بیشتر اوقات به وسیله افراد جوان صورت می‌گیرد. از دیدگاه اسبایج (۲۰۰۵) اوباش‌گری فوتبال شامل رفتار پرخاشگرانه رقابتی بین گروه‌های هوادار مدعی است. در نهایت می‌توان گفت اوباش‌گری به کلیه رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز هواداران فوتبال اطلاق می‌شود که قبل و بعد از مسابقات در داخل و بیرون استادیوم‌ها، به صورت جمعی از آنها سر می‌زند که به صورت خشونت و پرخاشگری و نژادپرستی می‌باشد. این دو مفهوم به هم پیوسته و مرتبط می‌باشند که از طرف ورزشکاران، تماشاچیان و طرفداران فوتبال که علیه ورزشکاران، علیه همدیگر و گاه اموال و دارایی عمومی انجام می‌شود (عبدلی، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

۲-۳. تحلیلی بر رویکردهای نظری وندالیسم در ورزش فوتبال

بررسی آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی از قدیم مورد توجه اندیشمندان مسائل اجتماعی، جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزان بوده است. هر چند وندالیسم به ویژه در ورزش به عنوان نوعی از کج‌رفتاری، ریشه در تحولات چند دهه اخیر نظام جهانی دارد و تاریخی طولانی ندارد. بنابراین برای بررسی علمی از وندالیسم به ویژه در ورزش فوتبال باید از نظریات انحرافات اجتماعی استفاده نمود.



نمودار ۱. طبقه‌بندی اصلی انحرافات اجتماعی

هر چند تاکنون کمتر نظریه ویژه‌ای در مورد اوباش‌گیری فوتبال فرموله شده است، اما تمام نظریات مربوط به این گونه رفتارها، توجه به نظریات خشونت و پرخاشگری انسان را نیز ضروری می‌داند. همچنین که باید علل و عوامل مؤثر بر پدیده وندالیسم را خارج از تنگ‌نظری‌ها، تقیدات و تعصبات حوزه‌های نظری نیز دید، چرا که هر کدام از نظریات و رویکردها به قسمتی از مسئله نگاه می‌کنند.

۱-۲-۳. رویکردهای زیست‌شناختی

قدیمی‌ترین و شناخته‌ترین تبیین در مورد خشونت انسان مربوط به رویکرد زیست‌شناختی است (عبدلی، ۱۳۸۵: ۱۰۶) که انسان به دلیل طبیعت زیستی تا حدودی برای ارتکاب خشونت و وندالیسم برنامه‌ریزی شده است. فروید رفتار و منشأ غریزی را عامل خشونت و پرخاشگری می‌داند (فروم، ۱۳۶۴: ۴۶). لورنز نیز همانند فروید معتقد است که انسان به وسیله نیروی فطری به سوی تخریب ساختن رانده می‌شود و ورزش نوعی بیان ناخودآگاه

این میل است (انوارالخولی، ۱۳۸۱: ۲۵۳)، بنابراین ورزش به طور عام و ورزش فوتبال به طور خاص فرصتی بسیار مناسب برای تخلیه انگیزش‌های خشونت‌آمیز غریزی را فراهم می‌آورد. در این زمینه برای تبیین این نظریه در مورد رفتارهای وندالیسم در فوتبال، به دلیل تغییر ماهیت ورزش از شکل سنتی به شکل مدرن که ناشی از حرفه‌ای‌شدن ورزش و تخصص‌گرایی بوده این رفتارها از میدان مسابقه به سکوی تماشاگران و بیرون آن تغییر جایگاه داده است و فحاشی و درگیری و تخریب اموال عمومی را به وجود می‌آورد.



نمودار ۲. طبقه‌بندی رویکرد زیست‌شناختی

برخی روان‌شناسان و پژوهشگران اجتماعی نیز رفتارهای خشونت‌آمیز را به عواملی از قبیل نقص جسمانی و وضعیت خاص ژنتیکی را در بروز این رفتارها مؤثر می‌دانند (ستوده، ۱۳۸۱: ۸۹). این تئوری که برای اولین بار توسط سزار لومبروز و مردم‌شناس ایتالیایی مطرح شد، معتقد بود که شرایط جسمی و روانی که ناشی از اثر فیزیولوژی است و نسل در نسل قابل انتقال می‌باشد و افراد را به جرم و انحراف می‌کشاند. برخی از روانکاوان از جمله فروید و پیروانش نیز با طرح تئوری پالایش روانی مدعی شدند که اگر انسان برای ابراز پرخاشگری اجازه نیابد، نیروی پرخاشگرانه انباشته شده و سرانجام به شکل خشونت مفرط یا بیماری روانی ظاهر می‌شود (ارونسون، ۱۳۷۳: ۱۷۶). بنابراین بر طبق این نظریه، تخلیه انرژی پرخاشگرانه و وندالیسم در فعالیت‌های ورزش به عنوان یکی از مهم‌ترین شیوه‌های پالایش نیروی پرخاشگرانه، اهمیت و ارزش فوتبال را در کاهش تمایلات این رفتارها در جوانان به وضوح نشان می‌دهد. با توجه به ارائه رویکردهای زیست‌شناختی، بین محققان در دفاع یا رد نظریات فوق اظهار نظرهای متفاوتی صورت

گرفته است. اما یکی از مهم‌ترین انتقادات وارد شده به این رویکرد، این است که نظریه پردازان زیست‌شناختی از نوعی تفکر و استدلال دوری می‌کنند و تفاوت انسان‌ها و گروه‌ها را در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت بررسی نکرده‌اند و فقط به عوامل روانی و اجتماعی خاصی اشاره می‌کنند. نوع ورزش، نوع فردی و گروهی بودن آن نوع جامعه، فرهنگ در انطباق این تئوری با فعالیت‌های ورزش را با محدودیت‌های جدی روبرو می‌کند. در بررسی علل رفتارهای وندالیسم تماشاگران فوتبال، بدون شک تئوری فوق‌قادر به ارائه تبیین کاملی از رفتارهای خشونت‌آمیز تماشاگران فوتبال نخواهد بود.

۲-۳. رویکردهای روان‌شناختی

بحث اصلی این رویکرد از نظر روان‌شناسان این است که بعضی از تیپ‌های شخصیتی، تمایل بیشتری به انجام کنش کجروانه و شکل‌گیری پدیده وندالیسم و اوباش‌گری در ورزش فوتبال دارد. بنابراین در این رویکرد چهار تئوری مورد بررسی قرار می‌گیرد.



نمودار ۳. طبقه‌بندی رویکرد روان‌شناختی

تئوری اول که توسط دالارد و همکاران تحت عنوان تئوری ناکامی - پرخاشگری ارائه شد (جارویس، ۱۳۸۰: ۹۰)، بر این مسئله دلالت دارد که محرومیت نسبی با توجه به تیپ شخصیتی فرد در هم آمیخته می‌شود و باعث بروز پرخاشگرانه می‌شود. فراوانی شکل‌گیری و بروز ناکامی و آستانه تحمل افراد در ناکامی و میزان رویدادهایی که منجر به ناکامی شده از جمله عوامل بروز وندالیسم در فوتبال می‌شود (عبدلی، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

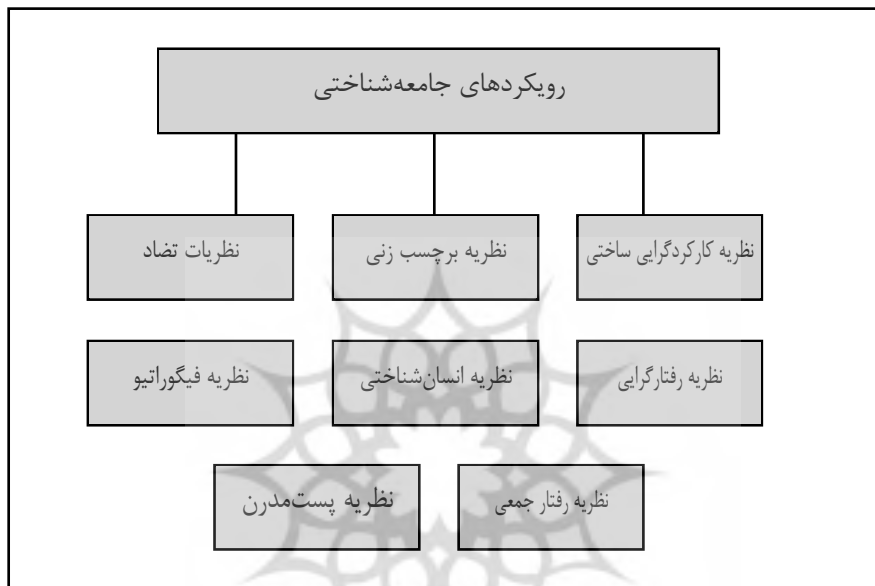
مهم‌ترین انتقاد به این نظریه این است که چرا طرفداران پس از پیروزی - نه ناکامی - نیز اقدام به خرابکاری می‌کنند. بنابراین این تئوری تنها در سطح تحلیل‌های روانی و فردی

می‌باشد و در تبیین رفتارهای جمعی خشونت‌آمیز تماشاگران فوتبال قابلیت چندانی ندارد. دیگر تئوری رویکرد روان‌شناسی، تئوری یادگیری اجتماعی است که توسط آلبرت بندورا (۱۹۷۳) در مقابل تئوری غریزی بودن پرخاشگری مطرح شد. وی معتقد است که تمام پرخاشگری‌ها به وسیله تقلید و تقویت آموخته می‌شود (جارویس، ۱۳۸۰: ۸۷). این نظریه که در بررسی‌های مکتب رفتارگرایی نیز مطرح شده می‌تواند هم در مشارکت در ورزش و هم تماشاگری را تبیین کند. تماشاگران با توجه به تولیدات رسانه‌های گوناگون، هم از رفتار ورزشکاران و هم از رفتار تماشاگران تقلید و منجر به اوباش‌گری و شکل‌گیری وندالیسم می‌شود. این تئوری نسبت به تئوری‌هایی که تاکنون تحلیل شده در تبیین رفتارهای وندالیسم گامی به جلو محسوب می‌شود، ولی انتقادی بر این نظریه مطرح می‌شود که فقط فرد را به عنوان واحد تحلیل انتخاب می‌کند نه رفتارهای جمعی. روان‌شناسی به نام «جان کر» در اوایل دهه ۱۹۹۰ با ترکیبی از چند تئوری روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تلاش نمود که خشونت طرفداران فوتبال را ناشی از ترکیبی از وضعیت‌های فراعاطفی می‌داند نه رفتارهای شرارت‌آمیز. اما منتقدان معتقدند که نظریه تئوری برگشتی یک واقعیت اجتماعی - رفتاری پیچیده را به رفتاری بازتابی و روان‌شناختی فرد کاسته است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۹۲). آخرین نظریه رویکرد روان‌شناختی، به دیدگاه‌های جنسیتی که از طرف فمینیست‌ها ارائه شده می‌پردازد که به نقش ساختار هویت خشن مردانه در برخوردهای خشونت‌آمیز در ورزش فوتبال می‌پردازد (ریچاردز، ۱۳۸۲: ۶۷). آرمسترانگ (۱۹۹۴) معتقد است که ساختار اوباشگران بر پایه یک قدرت بدنی مردانه شکل گرفته است. و اسپایچ (۲۰۰۶) معتقد است بدن قوی مردان باعث ایجاد خشونت می‌شود و به طور کلی ساخت اجتماعی هویت‌های جنسیتی نکته اصلی این نظریه است. این نظریه در تحلیل‌های خود به شدت دچار نوعی از تقلیل‌گرایی شده و اینکه صرف مرد بودن و جنسیت و هویت مردانه را علت شکل‌گیری وندالیسم در فوتبال بدانیم، نوعی ساده‌انگاری است.

۳-۲-۳. رویکردهای جامعه‌شناختی

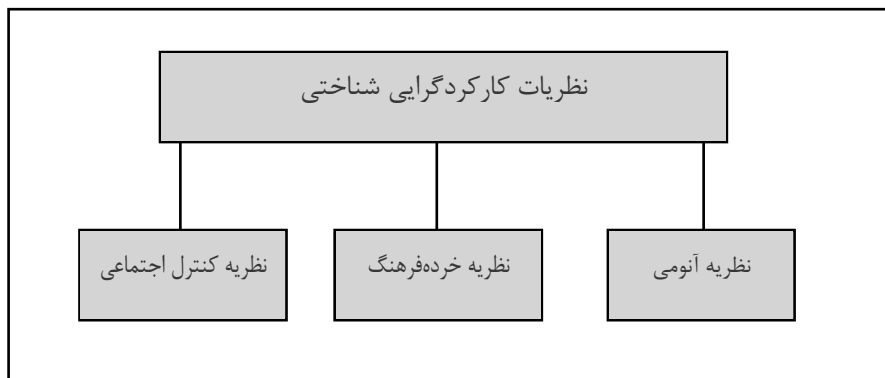
بررسی رویکردهای زیست‌شناختی و روان‌شناختی در تبیین خشونت و وندالیسم در ورزش فوتبال نشان می‌داد که بنای مطالعات بر محور فردی متمرکز و به نقش محیط و جامعه توجه نشده است و معتقد بودند که این عوامل تأثیر چندانی در بروز رفتارهای وندالیسم

تماشاگران فوتبال ندارند ولی جامعه‌شناسان در تحلیل مسائل اجتماعی ریشه انحرافات و علل آن را نه در درون فرد، بلکه در بیرون از او و در واقعیت‌های اجتماعی، نهادها، ساختارها و روابط اجتماعی جست‌وجو می‌کنند و همه افعال و کنش‌های فرد را در قبال جامعه سنجیده و می‌بینند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۴۷).



نمودار ۴. طبقه‌بندی رویکرد جامعه‌شناختی

کارکردگرایی ساختی شعبه‌ای از مکتب کارکردگرایی است که به نوعی تحلیل و تبیین از جامعه و پدیده‌های اجتماعی اطلاق می‌شود که زمینه نظری این مکتب ابتدا در افکار و آثار هربرت اسپنسر و امیل دورکیم در قرن ۱۹ تجلی یافت (ادیبی و انصاری، ۱۳۸۳: ۷۷). از نظر کارکردگرایان، ساخت کل جامعه عبارت از مجموع ساخت‌های معین اجزای آن (نهادها) است که اهمیت این ساخت‌ها در کارکرد آنهاست. به نظر کارکردگرایان ساختی ورزش نهادی اجتماعی محسوب می‌شود که با دیگر بخش‌ها و اجزای جامعه مانند دین، خانواده، اقتصاد، سیاست، آموزش، قومیت، نژاد و فرهنگ ارتباط متقابل دارد و لذا باید در بررسی نتایج و کارکردهای نهاد ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی به ارتباط تأثیرات و تقابل آن با سایر نهادها توجه خاصی نمود.



نمودار ۵. طبقه‌بندی نظریات کارکردگرایی شناختی

از کارکردهای نهاد ورزش از نظر جامعه‌شناسان این مکتب می‌توان به کسب مهارت‌های اجتماعی، شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی و ترویج وفاداری ملی، حسن وطن‌دوستی، کنترل اجتماعی، رهایی از تنش‌ها و تخلیه انرژی پرخاشگرانه، افزایش ارتباطات اجتماعی، کمک به حفظ الگوها، تعمیم حمایت‌های اقتصادی و سیاسی، آموزش هنجارها، تطبیق و هدف‌یابی اشاره کرد (پارسامهر، ۱۳۸۵: ۶۴). اما علاوه بر کارکردهای مثبت نهاد ورزش، کارکردهای منفی آن نهاد ورزش، نقش آن در بروز رفتارهای وندالیسم تماشاگران فوتبال است.

امیل دورکیم با ارائه تئوری آنومی تعریف جدیدی از انحراف، بزهکاری و بی‌هنجاری را وارد جامعه‌شناسی کرد (کوئن، ۱۳۸۴: ۱۶۴). فرو ریختن معیارهای اجتماعی حاکم بر رفتار اجتماعی و گسستگی و ازهم‌پاشیدگی معناها باعث شیوع یا تولید خشونت، بزهکاری‌های رفتاری می‌شود. در پی آن مرتون آمریکایی این نظریه را گسترش می‌دهد و نظریه را وضع می‌کند که بر اساس آن همه رفتارها اعم از راست رفتاری و کج‌رفتاری، معلول و محصول ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود. هر چند دورکیم و مرتون به طور اخص بر وندالیسم و اوباش‌گری تأکید نمی‌کنند، اندیشه‌های آنها، وندالیسم را خشونت زاییده ساختار اجتماعی و فرهنگی می‌داند، نه فقط شالوده‌های بیولوژیکی، فردی و روانی آن. اما نسبت به این تئوری نیز انتقاداتی وارد کرده‌اند از جمله اینکه به افراد و گروه‌های متعددتر از نظر انحراف، انتقال رفتار انحرافی، طبقات مختلف جامعه و آمارها کمتر توجه می‌کند (سخاوت، ۱۳۸۳: ۶۴) و به بعضی از اشکال مختلف

آنومی‌های گروهی و اعمال وندالیسم تماشاگران اشاره ندارد. آلبرت کوهن (۱۹۹۵) برای اولین بار نظریه خرده فرهنگ را در زمینه انحراف مطرح نمود (شیخاوندی، ۱۳۸۴: ۲۶۵) و اشاره به این موضوع دارد که رفتار انحراف آمیز معمولاً در چارچوب خرده فرهنگ‌هایی شکل می‌گیرد که از هنجارها، ارزش‌ها، زبان مشترک برخوردار و جامعه رسمی آنها را نمی‌پذیرد. بخش اعظم این خرده فرهنگ‌ها که فعالیت و استقلال گروهی دارند به تخریب اموال، رفتارهای کینه‌توزانه و تخریب فضاهای عمومی از جمله تجهیزات شهری و ورزش می‌پردازند (سخاوت، ۱۳۸۳: ۷۴). هرچند شاو و مکی به مطالعات خرده فرهنگ‌ها از جمله فرایند یادگیری فرهنگی به ویژه بر روی شهر شیکاگو پرداخته و رفتارناهنجاری‌ها را بر حسب محیط شهری تبیین کرده‌اند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۸۰). والتر میلر، با نقد نظریه کوهن، خرده فرهنگ‌ها را برگرفته از درون فرهنگ طبقه پایین جامعه می‌داند. بنابراین پیدایی و شکل‌گیری پدیده وندالیسم در چارچوب عناصر اصلی الگوی کلی فرهنگ طبقه پایین قابل فهم و شناخت است. در این زمینه ساترلند نیز با تئوری پیوند افراقی در قالب تئوری‌های خرده فرهنگ بزهکار به بررسی رفتار انحرافی می‌پردازد و با ارائه فرضیاتی، علت اصلی بزهکاری و وندالیسم را تماس و کنش متقابل این افراد با افراد منحرف و کجرو می‌داند. لکود و اهلین نیز با تلفیق برخی آرای مرتن، کوهن و ساترلند، با قرار دادن مفهوم فرصت‌های نامشروع به عنوان پایه و اساس نظریه خود، دسترسی به محیط نامناسب را از طرف فرد عامل انحراف و وندالیسم می‌داند (سخاوت، ۱۳۸۳: ۶۱). هر چند نظریات خرده فرهنگ جهت تبیین وندالیسم و اوپاش‌گری در ورزش و فوتبال تئوریزه نشده و نقش فرد را کمتر مورد توجه و الگوهای متنوع رفتاری را نادیده می‌گیرد، در تبیین انحرافات اجتماعی گامی به جلو به شمار می‌رود.

تئوری دیگر در زمینه انحرافات اجتماعی، نظریه کنترل اجتماعی است که هیرشی، رلکس، فرایدی و هیگبا تأکید بر نظریات دورکیم و با الهام از تئوری آنومی وی، آن را گسترش دادند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۸۹). پیش فرض این تئوری بر این مسئله استوار است که برای کاستن از تمایل به رفتار بزهکارانه و مجرمانه باید همه افراد کنترل شوند و رفتار انحرافی را نتیجه کارکرد ضعیف سازوکارهای کنترل اجتماعی و کنترل شخصی و درونی می‌داند و بزهکاری و جرم از یک سو محصول عوامل فردی کنترل، مانند ناکامی، خودپنداره منفی و اعتماد به نفس پایین است و از سوی دیگر، نظام‌های کنترل مانند

خانواده و مدرسه فقدان تقید و تعهد می‌باشد.

در زمینه وندالیسم در فوتبال، اجرا نشدن ضوابط و قوانین مربوط به کنترل اوباشگری در ورزش فوتبال منجر به افزایش رفتارهای اوباش‌گرانه در بین تماشاگران می‌شود. اما در صورت اقدامات انعطاف‌پذیر و سازماندهی، نتایج خوبی در بر نداشته است. در تحقیقات انجام شده در این زمینه، یکی از عوامل عمده و مؤثر در بروز چنین رفتارهایی، عدم کنترل فضای استادیوم‌ها و بیرون از آن به خصوص از سوی نیروی انتظامی می‌باشد. هر چند بعضی از جامعه‌شناسان اعتقاد دارند که همه افراد دارای انگیزه‌های مساوی برای رفتارهای وندالیسم نیستند و یا بعضی از وندالیسم‌ها در مقابله با پلیس می‌باشد که آن هم در نتیجه کنترل بی‌اندازه می‌باشد.

نظریه برجسب‌زنی نخستین بار توسط «ادرین لمرتو هوارد بکر» در برابر جامعه‌شناسی کارکردگرایی انحرافات به وجود آمد. پیش‌فرض اساسی نظریه برجسب‌زنی این است که اساس و مبنای انحراف اجتماعی تعریفی است که جامعه از برخی رفتارهای انسان دارد (احمدی، ۱۳۸۴: ۳). به عبارتی در این رویکرد، گروهی در جامعه با تصویب قوانین که تخطی از آن کج رفتاری محسوب می‌شود، مفهوم کج رفتاری را می‌سازد و انحراف از طرف جامعه برجسب داده می‌شود. این نظریه در مطالعات انحرافات در ورزش از جمله وندالیسم در فوتبال، کاربردهای فراوانی دارد. برخورد و نگاه مسئولان انتظامی به برخی از مصادیق اوباش‌گری در فوتبال مثال خوبی برای این نظریه می‌باشد. رسانه‌های همگانی نیز با برجسب‌هایی که به هواداران و تماشاگران خشونت‌طلب می‌زنند، به این خشونت‌ها دامن می‌زنند. منتقدان در نقد این نظریه به نکات مهمی نیز توجه می‌کنند، از جمله اینکه به ویژگی‌های فردی اجتماعی و اقتصادی فرد توجهی نداشته و توجهی به علل واقعی کج رفتاری ندارد و بیشتر در مورد انحرافات فردی کاربرد دارد و در مورد انحرافات گروهی مانند وندالیسم توان تبیین چندانی ندارد.

نظریه دیگر، که قطب مخالف نظریه کارکردگرایی ساختی است، نظریه تضاد است. این نظریه جامعه را به عنوان عرصه تضادها و مبارزات طبقاتی دانسته و در تحلیل خود از مسائل اساسی از قبیل روابط حاکمیت، تقسیم کار، توزیع نامساوی امکانات اقتصادی و دگرگونی‌های اساسی یاد می‌کند (ادیبی و انصاری، ۱۳۸۳: ۱۰۶). این نظریه که با آرا و اندیشه‌های مارکس پیوند اساسی دارد، رویکردی انتقادی به مسئله ورزش دارد و به

کارکردها و ابعاد منفی ورزش در نظام سرمایه داری اشاره می‌کنند و اعتقاد دارد که ورزش در خدمت منافع باشگاه داران ثروتمند می‌باشد و اشاره بر ابعاد ویرانگر ورزش مانند خشونت و پرخاشگری، استثمار افراد محروم، تضاد نقش‌ها، تخریب ارزش‌ها، ترویج عدالت و ایجاد آگاهی کاذب و انحراف افکار از مسائل اصلی و واقعی جامعه و تقویت تمایزات طبقاتی دارد. یان تیلور و جان کلارک در چارچوب رویکرد مارکسیستی به تحلیل پدیده وندالیسم در ورزش فوتبال پرداخته و اوباش‌گری فوتبال در قالب یک سری کلمات و اصطلاحات آرمان‌گرایانه و احساساتی تعریف و به عنوان مدافع سنت کمونیست‌گرایی طبقه متوسط در برابر بورژوازی رشد‌یابنده بازی فوتبال تلقی شده است. به عبارتی هواداران فوتبال را افرادی از طبقه کارگر تشکیل می‌دهند و تحت تأثیر عوامل همچون حرفه‌ای شدن، تجاری شدن و جهانی شدن از مالکیت آنها خارج شده است و اوباش‌گری در فوتبال را باید به عنوان یک جنبش مقاومت طبقه کارگر به ویژه افراد بیکار این طبقه تلقی کرد (ویلیامز و دیگران، ۱۳۷۹: ۷۳) به عبارتی اوباش‌گری در ورزش فوتبال نوعی مقاومت طبقه کارگر در قبال جدا کردن ورزش فوتبال از خاستگاه طبقه کارگری می‌باشد. از طرف جامعه‌شناسان انتقاداتی به این نظریه شده است، از جمله اینکه نگاه مارکسیست‌ها به وندالیسم بدون استفاده از داده‌های تجربی بود و آن را فقط توطئه نظام سرمایه‌داران می‌داند و از روش تعمیم‌پذیری یک جامعه به مناطق مختلف دنیا استفاده می‌کنند.

از دیگر نظریات جامعه‌شناختی در مورد انحرافات در ورزش فوتبال نظریه رفتارگرایی است که از طرف نظریه‌پردازان دانشگاه آکسفورد مانند پیتر مارش، روسر و هار به منظور بررسی اوباش‌گری فوتبال و تبیین نظری آن با استفاده از تکنیک‌های مشاهده مشارکتی، مصاحبه‌های کیفی با طرفداران فوتبال و بهره‌گیری از دوربین‌های ویدئویی، رفتار آنها را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند (رحمتی، ۱۳۸۲: ۹۱). طبق ایده اصلی این نظریه، پرخاشگری و خشونت مانند هر رفتار دیگری به طور کامل بر پایه جست‌وجوی امتیاز مطلوب فراگرفته است. به عبارتی از رفتار دیگران فرامی‌گیرد. در واقع تصویری که مارش و همکاران از خشونت و اوباش‌گری در فوتبال متصور بودند، ناشی از کاربرد روابط متقابل سمبلیک بود که تشریفات کاملاً بی‌ضرر محسوب می‌شد. هر چند انتقاداتی نیز به این نظریه وارد می‌شود. از جمله اینکه آنها به پدیده اوباش‌گری در فوتبال به عنوان یک

خشونت واقعی و جدی توجه نمی‌کنند و صرفاً آن را در قالب خشونت‌های نمادین و ظاهری مورد توجه قرار می‌دهند. آنها اعتقاد دارند که اگر با دخالت عوامل بیرونی از جمله پلیس مواجه شوند به خشونت واقعی تبدیل می‌شوند. یا در نقد این نظریه اعتقاد دارند که آنها به عوامل پیچیده اجتماعی، تاریخی و فرهنگی توجهی ندارند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۰۰). همچنین مطالعات نظریه پردازان رفتارگرایی بر یک تماشاگران و رفتارهای یک جامعه مانند انگلستان انجام شده و برای دیگر جوامع قابلیت و کاربرد ندارد.

دیگر نظریه در مورد وندالیسم در ورزش و فوتبال، نظریه انسان شناختی است که در مقابل کاستی‌های روش شناختی و مفهومی دیدگاه‌های مارکسیستی و رفتارگرایانه ارائه شد. گری آرمسترانگ و رزماری هاریس (۱۹۹۱) پیشگامان طرح چشم‌انداز انسان‌شناختی در مطالعات و پژوهش‌های مربوط به اوباشگری در فوتبال هستند (رحمتی، ۱۳۸۲: ۹۵). مطابق نظرات آرمسترانگ و هریس اوباش‌ها به طور مشخص مردمان آشوب‌انگیز و خشن نیستند و در میان آنها مردان خشنی که در گروه‌های محروم طبقه کارگر جای داشته باشند، وجود ندارد. در این نظریه توجه زیادی به طبقه اجتماعی شده است. آنها به بهترین وجه ممکن از طریق مطالعات قوم‌نگارانه درک پیشینه زندگی شان (بیوگرافی) و از طریق بازشناسی ساختار حاکم بر این گروه‌ها قابل شناسایی می‌باشند. کار قومیت‌نگارانه آرمسترانگ و هاریس به بحث‌های ارزشمندی در زمینه‌های اساسی تجزیه و تحلیل محتوای اجتماعی و روش‌های تحقیق در خصوص اوباشگری در فوتبال انجامید، از جمله در زمینه تشریح نژادی گامی مهم به حساب می‌آید (معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۷۵: ۴۷). شاید تأثیرگذارترین مطالعه در حوزه اوباش‌گری در فوتبال در چند دهه اخیر، حاصل کار محققان دانشگاه لیسترس باشد. این مطالعات از مواد آماری و قوم‌نگاری ترکیب شده‌اند تا تئوری اوباش‌گری فوتبال را در جامعه تمدن ساز امروز تبیین کنند (ویلیامز و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۴۶). نظریه روبرت الیاس در خصوص روند تمدن‌سازی جوامع، نشان‌دهنده وضعیت رفتار خشن و پرخاشگر آنهایی است که در طول تاریخ به تعادل رسیده است (اباذری، ۱۳۸۱: ۲۸). با توجه به نظریه الیاس، تعدادی از محققان در اوایل دهه ۱۹۸۰ پژوهش‌های متعددی در خصوص اوباش‌گری، خشونت و رفتارهای وندالیسم تماشاگران فوتبال انجام دادند. در رویکرد «فیگوراتیو»، اوباش‌گری در فوتبال، ساختارهای سطح زیرین اقشار جامعه و ارتباط میان اعضای این اقشار و ارتباط آنها با خود فوتبال را نشان

می‌دهد. آنها اوباش‌گران فوتبال را متعلق به طبقه کارگر بوده است و مردان این اقشار با دعوا، نزاع، درگیری و آشوب از جمله معدود فرصت‌هایی هستند که می‌توانند از آن طریق منزلت، اهمیت و هیجان کسب کنند. زیرا فقدان منابع عمده کسب هویت منزلت در این طبقه اجتماعی باعث این اهمیت است. از دیگر نتایج این پژوهشگران انتقال خشونت از عرصه اجتماعی به حیطه ورزشی است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۳). همچنین اقدامات و سازماندهی وسیع پلیس برای کنترل اوباش‌گران ممکن است نتایج معکوسی از جمله سازماندهی و اقدام بیشتر اوباش‌گران باشد. از دیگر نتایج مطالعات این گروه، جایگزین شدن دیدن فوتبال در ورزشگاه به تلویزیون است که باعث انتقال وندالیسم به بیرون ورزشگاه شده است. هر چند انتقاداتی نسبت به این نظریه شده است که این دیدگاه را آمیزه‌ای از تعمیم‌های آزمون ناپذیر و توصیفی معرفی کرده که غیرواقعی و تکامل‌گرایانه و قوم‌محورانه است و دلالت بر این می‌نماید که جوامع پیشین یا غیر صنعتی، توسعه‌نیافته، وحشی و غیر متمدن هستند. آنتونی کینگ، ردهد و گولیا با استفاده از مفاهیم نظریه پست مدرن و باتوجه به محتوای تاریخی و فرهنگی - اجتماعی فوتبال به بررسی و تبیین پدیده اوباشگری در فوتبال پرداخته‌اند. آنها به خصوص در زمینه رفتارهای اوباش‌گرانه با شیوه‌های متفاوت، در موقعیت‌های گوناگون مانند مراسم عیش و نوش و رقص خیابان‌ها، گروه‌های موسیقی اشارات بسیار مهمی دارند (اباذری، ۱۳۸۱: ۲۹).

از جمله نظریات در مورد رفتارهای وندالیسم در فوتبال، نظریه رفتار جمعی است که شکل‌گیری رفتارهای اوباش‌گری ناشی از جماعت توده‌ها هستند که مشخصات اجتماعی یکسان دارند و دارای سست‌ترین روابط اجتماعی می‌باشد که در وضعیت‌های به نسبت ساختارنیافته‌ای انجام می‌شود. به فوتبال که از بازی‌های جمعی است، احساسات هیجانی افراد را تحریک کرده و در چنین موقعی فرد به خاطر شرایط روحی و روانی که دارد و از جامعه ناشی می‌شود دست به آشوب‌گری می‌زند و امکان عقده‌گشایی و نقص انطباط اجتماعی را به صورت حرکات وندالیستی به تماشاگران می‌دهد. هر چند انتقاداتی همچون عدم توجه به اراده، تفکر و شعور افراد در نوع رفتار انتخابی در مقابل این نظریه مطرح شده است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۰۴).

۳-۳. جمع‌بندی از یافته‌های مرتبط با رویکردها

جدول ۱. عوامل و متغیرهای مؤثر بر وندالیسم و اوباشیگری در رویکرد روان‌شناختی و زیست‌شناختی

| پارادایم‌ها | نظریه‌ها | عوامل و متغیرهای مؤثر بر وندالیسم و اوباش‌گری |
|----------------------|--------------------------------------|--|
| پارادایم زیست‌شناختی | ۱- نظریه رفتار غریزی | ۱- نیروهای سرکش درونی (غریزه)، ۲- تخلیه ناکافی سائقه پرخاشگری در انسان و ۳- سرکوب اجتماعی رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز |
| | ۲- دیدگاه‌های فیزیولوژیک و بیولوژیکی | ۱- نقص جسمانی و وضعیت خاص ژنتیکی، ۲- توارث و ۳- عقب‌ماندگی و هوش پایین |
| | ۳- نظریه پالایش روانی | ۱- احساسات و هیجانات درونی سرکوب شده |
| پارادایم روان‌شناختی | ۱- نظریه ناکامی پرخاشگری | ۱- مشخصه‌های موقعیت از قبیل: الف) ناکامی در رسیدن به اهداف، مثلاً باخت تیم مورد علاقه، ب) میزان رویدادهایی که منجر به ناکامی شده‌اند و ج) دامنه انتظارات افراد در قبال مجازات‌هایی که به رفتار پرخاشگرانه تعلق می‌گیرد. ۲- احساس اجحاف (مثل اشتباه دوری) ۳- محرومیت نسبی (برداشت ذهنی تماشاگر از اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی) |
| | ۲- نظریه یادگیری اجتماعی | ۱- مشاهده و تقلید از گروه‌های اجتماعی نظیر خانواده، گروه همسالان و رسانه‌ها ۲- تشویق و تقویت رفتار انحرافی از سوی گروه‌های اجتماعی وسیع‌تر |
| | ۳- نظریه بازگشتی | هیجان‌طلبی و فرار از محدودیت‌ها |
| | ۴- دیدگاه‌های جنسیتی | ۱- جوان بودن و ۲- هویت سخت مردانگی |

جدول ۲. عوامل و متغیرهای مؤثر بر وندالیسم در رویکرد جامعه‌شناختی

| | |
|------------------------|--|
| ۱- نظریه انومی | ۱- بی‌هنجاری و بی‌قاعدگی؛ الف) ازهم‌گسیختگی خانوادگی، ب) بی‌توجهی به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و ج) انزوای اجتماعی و عدم تعلق فرد به جامعه ۲- گروه‌های همبازی و همسالان ۳- احساس بی‌معنایی |
| ۲- نظریات خرده‌فرهنگی | ۱- دسترسی به الگوهای نقش انحرافی در خانواده، مدرسه یا گروه همسالان ۲- عدم دسترسی به الگوهای مشروع و مناسب رفتار بهنجار ۳- طبقه اقتصادی اجتماعی پایین ۴- جامعه‌پذیری نامناسب |
| ۳- نظریه کنترل اجتماعی | ۱- عدم کنترل‌های درونی؛ الف) عدم تعلق نسبت به نهادهای جامعه و ب) عدم اعتقاد به قوانین و هنجارهای جامعه (بی‌اثر شدن اهمیت اخلاقی قوانین جامعه) ۲- عدم کنترل‌های بیرونی: عدم توانایی پلیس در تأمین نظم و امنیت |
| ۴- نظریه برچسب | برخورد غیرمسئولانه نیروی انتظامی، رسانه‌ها و دیگر گروه‌های اجتماعی از طریق انگ زدن به تماشاگران |

| | |
|--|-----------------------|
| <p>۱- پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین ۲- نارضایتی از فضای سیاسی جامعه ۳- تحرک احزاب و جناح‌های سیاسی ۴- از خود بیگانگی ۵- بیکاری</p> | ۵- نظریه تضاد |
| <p>۱- به دست آوردن حس هویت و خویش شدن بابتی در قالب تیم‌گرایی و علاقه‌مندی به باشگاه ۲- برای ترساندن و به تسلیم واداشتن حریف (خشونت سمبلیک) ۳- بیکاری و تجرد ۴- سیاست‌های خشن و تهاجمی پلیس و عوامل تصادفی دیگر</p> | ۶- نظریه رفتارگرایی |
| <p>۱- تحرکات رسانه‌ای و انتظامی مثل رفتار نامناسب پلیس با تماشاگران ۲- هیجان‌خواهی ۳- پیشینه زندگی و ساختار حاکم بر گروه‌های طبقه پایین</p> | ۷- نظریه انسان‌شناختی |
| <p>۱- کسب لذت روانی از طریق خطرپذیری ۲- دخالت پلیس و به کارگیری قدرت بازدارنده شدید علیه تماشاگران ۳- گزارشات اغراق آمیز رسانه‌ها در خصوص خشونت هواداران ۴- اجبارهای خاص تاریخی و فرهنگی مثل وجود برخی خرده فرهنگ‌های هواداری در قبال تیم‌های فوتبال که رقیب سرسخت محسوب می‌شوند ۵- وجود یک دیدگاه قالبی نسبت به تماشاگرانی که اقدام به خشونت می‌کنند.</p> | ۸- نظریه پست مدرن |
| <p>۱- احساس گمنامی ۲- تأثیرپذیری از قدرت روانی گروه تماشاگران (تلقین‌پذیری و تحرک‌پذیری بالا) ۳- احساسی بودن رفتار (عدم تفکر و تصمیم‌گیری) ۴- ریسک دستگیری کم و تصور کیفر پایین</p> | ۹- نظریه رفتار جمعی |
| <p>۱- پایگاه اقتصادی اجتماعی ۲- مشروب‌خواری ۳- دو دستگی‌های اجتماعی ۴- سیاست‌های حجیم و سختگیرانه پلیس ۵- فقدان منابع کسب منزلت، اهمیت و هیجان ۶- تحرک رسانه‌ها</p> | ۱۰- نظریه فیگوراتیو |

۳-۴. چالش‌های حقوق کیفری منتج از نظریات

۳-۴-۱. چالش‌های مقابله با رفتار جمعی تماشاگران

پیامدهای حضور تماشاگران در ورزشگاه‌ها به تأثیرات مثبت آن محدود نمی‌شود، چراکه رفتارهای تماشاگران در ورزشگاه به دلیل پیروی از هنجارهای خاص «رفتار جمعی» گاه به بروز نابهنجاری‌هایی منجر شده است که مهم‌ترین ویژگی آن، نداشتن انسجام ساختاری

و فقدان نسبی سازوکارهای کنترل اجتماعی است. این ویژگی سبب می‌شود که هر چند افراد تشکیل دهنده سازوکارهای کنترل اجتماعی است. این ویژگی سبب می‌شود که هر چند افراد تشکیل دهنده جمعیت، افرادی موجه و فرهیخته باشند، تحت تأثیر فضای ورزشگاه و قرار گرفتن در انبوه بی‌شکل، رفتارهایی از خود بروز دهند که در شرایط عادی موافق چنین رفتارهایی نباشند (فتحی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

در واقع می‌توان گفت افرادی که برای تماشای یک رویداد ورزشی در مکانی جمع می‌شوند، احساس می‌کنند از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردارند و دیگر کسی نمی‌تواند جلوی آنها را بگیرد. در این خصوص برخی معتقدند تماشاگران می‌توانند به طور ناخودآگاه بر یکدیگر تأثیر بگذارند. این فرایند را «سرایت رفتاری» می‌نامند که به معنای انجام ناخودآگاه اعمال و رفتار دیگران است (عبدلی، ۱۳۸۴: ۱۱۴). به عبارت دیگر از مهم‌ترین عواملی که رفتارهای اعتراض‌آمیز را تسهیل می‌کند، حضور دیگران یا تماشاچیان حاضر در صحنه است. حضور داشتن جمعی از افراد یا دیگران را ناظر و تماشاچی رفتار خود دیدن، روحیه معترضان را تقویت می‌کند و انگیزه آنها را برای کنش‌های جمعی افزایش می‌دهد. وقتی که افراد در یک خشونت جمعی شرکت می‌کنند، تصورشان این است که دیگر بر رفتارهای آنان نظارتی وجود ندارد و پلیس یا دستگاه قضایی نمی‌تواند آنها را شناسایی و کنترل کند. رفتارهای نابهنجار افراد در یک جمع معمولاً دارای ویژگی‌هایی است که سبب می‌شود حقوق جزا برای مقابله با آنها (برای مثال اوباشگری تماشاگران فوتبال) با مشکل مواجه باشد.

اولین ویژگی رفتار تماشاگران، حالت غیر شخصی رفتار افراد حاضر در ورزشگاه است. وقتی شخصی به جماعت می‌پیوندد، هویتش تحت شعاع همین جماعت قرار می‌گیرد و در جماعت مستغرق می‌شود. استغراق شخص در جماعت چنان او را از خود بی‌خود می‌کند که موقتاً از مقتضیات خصوصی خود غافل می‌شود. این فرایند لزوماً نتیجه تصمیم خود فرد نیست، بلکه اقتضای طبیعت جماعت است (کونن، ۱۳۸۷: ۳۸۴). حالات غیرشخصی افراد در جمع سبب «فردیت‌زدایی» از او می‌شود. از این رو افراد وقتی در یک جماعت معترض قرار می‌گیرند، کنترل رفتار خود را از دست می‌دهند و در نتیجه آن، رفتارهای خشن و غیر قابل کنترل از آنها سر می‌زند. این رفتار زمانی شدیدتر می‌شود و بیشتر بروز می‌کند که به سبب تراکم زیاد جمعیت معترضان، امکان گمنامی بیشتر باشد

(شریفی، ۱۳۸۸: ۱۹-۱۸). پس می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین مسائلی که حقوق جزا برای مقابله با اوباشگری تماشاگران باید لحاظ کند، این است که تجمع انبوه جمعیت تماشاگران از مناطق و بعضاً شهرهای مختلف که یکدیگر را نمی‌شناسند، اهرم‌های درونی و کنترل و نظارت بر رفتار را تضعیف می‌کند. این گم‌شدگی در میان سایر تماشاگران، به فرد اجازه می‌دهد تمایلات فروخوردهٔ هنجارشکنانهٔ خود را بروز دهد و دست به هر کاری از جمله اوباشگری، خشونت و تخریب اموال و امکانات عمومی بزند.

دومین ویژگی رفتار افراد در جمع نیز این است که افراد در جمع احساس گمنامی و ناشناسی می‌کنند. همگامی که فرد خود را جزی از یک گروه بزرگ تر می‌بیند که در آن رفتار شخص یا شخص دیگر نیست، پاسخ‌های عاطفی اش بیشتر از قید و بند رها می‌شود. اعضای جماعت احساس می‌کنند که در بین بیگانگان گم شده‌اند؛ ناشناسی به آنها این امکان را می‌دهد که آزادانه تر و بی پرواتر از مواقع عادی رفتار کنند. از این رو از گمنامی و ناشناسی خود در میان جمع سوء استفاده کرده و همهٔ بار گناه اعمالشان را به دوش دیگران و جمع می‌اندازند (ستوده، ۱۳۸۱: ۱۱۵-۱۱۴). در واقع می‌توان گفت «تسهیل اجتماعی» رفتار افراد در جمع نیز مشکل دیگر است که حقوق جزا را برای مقابله با اوباشگری تماشاگران با چالش مواجه کرده است. به طوری که حضور دیگران موجب تسهیل عملکرد و تشدید کنش‌های تک تک افراد می‌شود. حضور در جمع و دیگران را ناظر و تماشاچی رفتار خود دیدن، هریک از کنش‌گران را برای بروز کنش‌های جمعی شدیدتر برمی‌انگیزد (شریفی، ۱۳۸۸: ۲۲-۲۱). در واقع افراد زیادی که در ورزشگاه به اعمال خشونت آمیز متوسل می‌شوند، وقتی خود را در میان عده‌ای دیگر می‌بینند، احساس می‌کنند که در شرایط بحرانی، دیگران از آنان حمایت می‌کنند، از این رو احساس ایمنی آنان فزونی می‌یابد و به راحتی مرتکب اعمال اوباشگرانه می‌شوند.

سومین ویژگی تلقین‌پذیری بالای افراد در جمع است. اعضای جماعت به دلیل فقدان رهبری تثبیت شده، بیشتر بر اساس تلقین عمل می‌کنند. در این زمینه مشکلی که حقوق جزا برای مقابله با اوباشگری تماشاگران با آن مواجه است، به اصل «سرایت اجتماعی» در رفتار جمعی برمی‌گردد. مطابق این اصل مهم‌ترین دلیل نقض هنجارهای اجتماعی توسط جماعت معترض، عامل سرایت است، زیرا وقتی یک یا چند نفر از معترضان، به صورت تکانه‌ای یا آگاهانه، هنجاری را نقض می‌کنند، برای مثال یک مامور انتظامی را مورد

یورش قرار می دهند یا شیشه یک ساختمان دولتی را آماج حمله قرار می دهند، دیگران نیز نیندیشیده و خودانگیخته با آنان «همنوایی» می کنند. گویی هنجارشکنی به یکباره به هنجار تبدیل می شود. در واقع می توان گفت صرف خود در جمع، افراد را ترغیب به اندیشه و عمل یکسان می سازد (شریفی، ۱۳۸۸: ۱۹).

در این زمینه باید اذعان داشت با توجه به مشکلاتی که حقوق کیفری برای مقابله با اوباشگری تماشاگران با آنها مواجه است، به نظر می رسد راه حل های کنترل اوباشگری تماشاگران فوتبال، به لحاظ دشواری های مقابله با رفتار جمعی تماشاگران، باید اغلب متمرکز بر تدابیر پیشگیرانه باشد، چراکه هر بهانه ای اعم از قضاوت نابجای داور یک مسابقه، باخت تیمک خودی و حتی برد آن تیم ممکن است به بروز خشونت و ایجاد غائله و پدیده اوباشگری منجر شود که برای مقابله با آن بی شک با دشواری بیشتری مواجه خواهیم بود. برای این منظور تدابیری از جمله امکان بازبینی حوادث بحث انگیزی که تماشاگران آن را اجحاف در حق تیم خود می دانند، مستقر کردن ماموران مخفی در داخل محافل تماشاگران متعصب، استفاده هدفمند از دوربین های مدار بسته جهت تلقین حس دیده شدن و در معرض کنترل قرار داشتن به تماشاگران به نحوی که احساس گمنامی نکنند، تربیت نیروی پلیس متخصص برای کنترل رفتار جمعی تماشاگران مکانیزه فرایند فروش بلیت از طریق اینترنت و ساماندهی سکوها و صندلی های ورزشگاه از طریق شماره گذاری آنها و ثبت مشخصات تماشاگری که در آن محل مستقر است و ... می توانند به کنترل بیشتر رفتار جمعی تماشاگران فوتبال کمک کنند.

۲-۴-۳. چالش های مرتبط با مشخصات تماشاگران مطالعات فرهنگی

بررسی ویژگی ها و مشخصات تماشاگران فوتبال در اقصی نقاط جهان، حاکی از آن است که تماشاگران فوتبال در کشورهای مختلف، ویژگی های منحصر به فردی دارند که آنها را از تماشاگران فوتبال در نقاط دیگر جهان متمایز می کند. از این رو تأمل در مشخصات تماشاگران، یکی از چالش های حقوق کیفری در مواجهه با اوباشگری تماشاگران را نمایان می سازد. برای درک این مهم، با استفاده از نتایج یکی از تحقیقات میدانی در این خصوص، به مشخصات تماشاگران فوتبال در ایران از حیث سن، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات و شغل اشاره می شود. از لحاظ وضعیت سنی، یافته های پژوهش به عمل آمده

در این زمینه حاکی از آن است که بیشترین فراوانی تماشاگران مسابقات فوتبال متعلق به گرونی‌های سنی نوجوانان و جوانان ماست، به طوری که ۸۳/۹ درصد تماشاگران را افراد ۲۵ سال و کمتر تشکیل می‌دهند و مابقی بیش از ۲۵ سال سن دارند. همچنین از نظر وضعیت تأهل یافته‌های پژوهش مذکور به عمل آمده در این زمینه حاکی از آن است که بیشتر افرادی که برای تماشای فوتبال به ورزشگاه می‌آیند، مجردند، به طوری که از کل جامعه آماری ۸۴/۶ درصد مجرد و ۱۵/۴ درصد متأهل هستند. در نهایت از منظر میزان تحصیلات و شغل، بیشتر افرادی که برای تماشای فوتبال به ورزشگاه می‌آیند، تحصیلاتی کمتر از دیپلم دارند و اغلب بیکارند. به نحوی که ۷۵/۸ درصد از حجم نمونه را افراد دیپلم و پایین‌تر تشکیل دادند و حدود ۲۵ درصد افراد را تحصیلات دانشگاهی داشتند. در میان جامعه آماری ۲۳/۲ درصد پاسخگویان شاغل بودند، ۲۹/۹ درصد دانش‌آموز، ۲۶/۳ درصد بیکار، ۱۵/۹ درصد دانشجوی و ۳/۹ درصد نیز سرباز بودند (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۸۷). همان‌طور که ملاحظه می‌شود آمارهای ارائه شده حکایت از این دارد که بیشتر تماشاگرانی که برای مشاهده مسابقه فوتبال به ورزشگاه می‌آیند، مشخصات بارزی از جمله مجرد بودن، نوجوان و محصل بودن، بیکار و درآمد پایین دارند. این ویژگی‌ها به خصوص سن تماشاگران حاضر در ورزشگاه، سبب شده است مقنن در به‌کارگیری تئیهات مختلف بسته باشد، چراکه با عنایت به سیاست کیفری مبتنی بر تسامح نسبت به اطفال و نوجوانان، استفاده از تمامی ابزار ممکن برای مقابله با اوباشگری تماشاگران امکان‌پذیر نیست.

از مهم‌ترین عواملی که سبب شده است حقوق کیفری برای مقابله با اوباشگری تماشاگران کارآمدی لازم را نداشته باشد، بی‌توجهی مقنن به همین موضوع است. این مسئله سبب شده است سیاست کیفری اتخاذ شده در آیین نامه انضباطی فدراسیون فوتبال، برای مقابله با اوباشگری تماشاگران به عنوان شخص حقیقی، به واسطه بی‌توجهی به این ویژگی‌ها، به سیاستی متروک و غیر قابل استفاده تبدیل شود. ایراد جدی وارد به سیاست کیفری اتخاذی مقنن برای مقابله با اوباشگری تماشاگران در ورزشگاه، در نظر گرفتن جریمه نقدی سنگین برای افرادی با مشخصات مذکور، است که به هیچ وجه نمی‌تواند کارآمدی لازم را داشته باشد. شایان ذکر است با توجه به عدم تبعیت الگوهای اوباشگری و خشونت تماشاگران در کشورهای مختلف، باید بیش از هر چیز بر مطالعات بومی تکیه

کرد، چراکه نتایج تحقیقات متعدد در این زمینه نشان داده شده است علل بروز اوباشگری و خشونت‌های تماشاگران در کشورهای مختلف یکسان نیست. برای مثال در انگلستان طبقه اجتماعی در اسکاتلند و ایرلند فرقه‌گرایی مذهبی، در اسپانیا ملی‌گرایی و تکبر قومی، در ایتالیا اختلافات و تبعیض‌های اقتصادی - اجتماعی از عامل‌های مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری معضل خشونت طرفداران فوتبال محسوب می‌شوند. از این‌رو با تفاوت‌هایی که مشاهده شد، نمی‌توان انتظار راه حل مشترک برای مواجهه با این معضل را در کشورهای گوناگون داشت. به همین دلیل در کشورهای مانند ایتالیا، آلمان، هلند و اسپانیا توجه محققان به پژوهش‌های صرفاً بومی معطوف شده است (رحمتی، ۱۳۸۸: ۲۱۷).

۳-۴-۳. چالش‌های مرتبط با کارکرد مثبت تماشاگران

امروزه اهمیت حضور تماشاگران و تأثیرات مثبت آنها در رقابت‌های ورزشی برای همگان آشکار شده است و تماشاگران از ارکان اصلی ورزش محسوب می‌شوند. اهمیت حضور تماشاگران در رقابت‌های ورزشی به حدی است که سبب می‌شود ورزشکارانی که خود را در حضور دیگران می‌بینند، حداکثر تلاش خود را در رقابت ورزشی به کار گیرند. نتایج تحقیقات در این زمینه حاکی از این است که در رقابت‌های ورزشی عملکرد فرد، تنها از تعامل اجتماعی که میان او و هم‌تیمی‌هایش تأثیر نمی‌پذیرد، بلکه زمانی که ورزشکاری خود را در حضور چندین نفر احساس می‌کند یا زمانی که مورد توجه توده‌ای از تماشاچیان قرار می‌گیرد، هر چند میان او و آنها هیچ رابطه‌ای نباشد، عملکردش تحت تأثیر واقع می‌شود (قدیمی، ۱۳۹۰: ۳۲).

بی‌شک تماشاگران بی‌شمار رشته ورزشی فوتبال از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه این رشته ورزشی هستند. اهمیت این موضوع به حدی است که از تماشاگران فوتبال به عنوان یار دوازدهم تیم‌ها یاد می‌شود و همواره مربیان و بازیکنان در مصاحبه‌های پیش از بازی خود، از طرفدارانش می‌خواهند برای تشویق تیم محبوب خود به ورزشگاه بیایند، پس از انجام مسابقه نیز چنانچه پیروز از زمین خارج شوند، موفقیت را مدیون تماشاگران می‌دانند و آن را به طرفداران خود تقدیم می‌کنند و چنانچه بازنده از زمین خارج شوند، از تماشاگران عذرخواهی می‌کنند و برای جبران آن، به تماشاگران امید می‌دهند.

تماشاگران از طرق مختلف بر یک رقابت ورزشی تأثیر می‌گذارند. تأثیرات انگیزشی

تماشاچیان از مهم‌ترین مواردی است که بر سیستم عصبی و سیستم خودمختار تأثیر می‌گذارد و موجب به وجود آمدن تغییرات هورمونی و تحریک عضلات، فشارخون، ضربان قلب و غیره خواهد شد. در این فرایند با افزایش ترشح آدرنالین در بدن، سوخت کافی تأمین می‌شود و ورزشکاران از حداکثر توان و نیروی خود بهره می‌گیرند. این مسئله سبب می‌شود وقتی مهارت ورزشی به خوبی یاد گرفته شده است، به سبب فراهم آمدن میزان انگیزه و انرژی لازم، اجرای آن نیز در حضور تماشاچی با کیفیت بهتری همراه باشد. از این رو می‌توان گفت صرف حضور فیزیکی دیگران سبب آزاد شدن انرژی است که در مواقع معمولی آزاد نمی‌شود (آهولا و هنفیلد، ۱۳۷۲: ۵۱۵). امتیاز میزبانی مسابقات یکی از زمینه‌های تأثیرگذار برای حضور تماشاگران است، چراکه غالب تیم‌ها در بازی‌های خانگی عملکرد بهتری دارند، به همین دلیل تیم‌ها در مسابقاتی که میزبان هستند، ادعا می‌کنند که محکوم به برد هستند. میانگین نتایج بازی‌ها نشان می‌دهد که معمولاً از مجموع بازی‌های خارج از موطن، میزان باخت بیشتر است. از این رو برای احتراز از این امر، تیم‌هایی که امکانات زیادی دارند، برای شبیه‌سازی تمرین با شرایط مسابقه در زمین حریف، از اسپیکرهای بزرگ با صدای جو ورزشگاهی که در آن بازی دارند، استفاده می‌کنند و حتی با کشیدن تصویر آدم در سکوی ورزشگاه این امر را به بازیکنان تلقین می‌کنند که شما در معرض حضور دیگران قرار دارید و از این طریق سعی دارند بازیکنان را با شرایط مسابقه هماهنگ کنند تا هنگام بازی در زمین حریف، کارایی خود را از دست ندهند (صفری، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

به طور کلی کارکردهای مثبتی که برای حضور تماشاگران در ورزش برشمردیم، در زمینه راهکارهای مقابله با اوباشگری تماشاگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدیهی است تنبیه و مجازات تماشاگران یک رشته ورزشی، نیازمند تدابیر و سازوکارهای خاص است و توسل به مجازات‌های معمول برای مقابله با اوباشگری تماشاگران، با توجه به اینکه تماشاگرانی که برای تماشای یک رشته ورزشی به ورزشگاه می‌آیند، سرمایه‌های اصلی ورزش محسوب می‌شوند، کارچندان سنجیده‌ای به نظر نمی‌رسد و به نوعی با اهداف کلی ورزش منافات دارد. اهمیت حضور تماشاگران در ورزشگاه‌ها موجب شده است که حتی کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال نیز، برای مقابله با اوباشگری تماشاگران از تمامی راهکارهای ممکن استفاده نکند و در بسیاری از موارد به جریمه نقدی باشگاه اکتفا شود.

شایان ذکر است که تحمیل مسئولیت اعمال تماشاگران بر باشگاه‌ها نیز نیازمند سازوکار و ساختار خاصی است. در حال حاضر با وضعیت فعلی ورزشگاه‌های ایران، انتساب تماشاگران به یک باشگاه تنها براساس محل قرار گرفتن تماشاگران تعیین می‌شود که انتساب صحیحی نیست، چراکه همان طور که اشاره شد، امکان حضور فردی در میان تماشاگران تعیین می‌شود که انتساب صحیحی نیست، چراکه همان طور که اشاره شد، امکان حضور فردی در میان تماشاگران تیم مقابل و ایجاد اغتشاش، فرض بعیدی به نظر نمی‌رسد. در مواردی هم که کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال، حکم به برگزاری بازی بدون تماشاگر و محرومیت تماشاگران از حضور در ورزشگاه می‌دهد، بعضاً از احکام تعلیقی استفاده می‌کند. این نوع تصمیم کمیته انضباطی مبتنی بر مصالح یک رشته ورزشی است. این امر در خصوص تیم‌های پرطرفدارانی همچون پرسپولیس، استقلال و ... بیشتر به چشم می‌خورد و استفاده از محرومیت تماشاگران معمولاً به عنوان آخرین حربه در نظر گرفته می‌شود.

۵-۳. اقدامات قانونی و ضعف در مواجهه با وندالیسم

در جمهوری اسلامی ایران بر اساس ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی، هر کس به عمد اشیای منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف کند یا از کار بیندازد، به حبس از ۶ ماه تا سه سال محکوم می‌شود. اما وجود قانون به تنهایی چاره‌ساز نیست و باید از ظرفیت‌های دیگری نیز بهره جست. به عنوان مثال افزایش کمیته و کیفیت مراکز تفریحی، مجموعه‌های ورزشی و امکانات تخلیه انرژی افراد به‌ویژه نوجوانان و جوانان و ارائه تسهیلات برای استفاده اقشار مختلف از آنها یکی از کارکردهای مطلوب جامعه است که به کاهش وندالیسم منجر می‌شود و متأسفانه بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک کشورمان در این زمینه با محرومیت مواجهند. حتی در شهر تهران برخلاف تصور عمومی اهالی بسیاری از محله‌ها و مناطق شهری با کمبودهای تفریحی و ورزشی مواجهند و انرژی جوانان اگر هرز نرود و سرکوب نشود، به تخریب و اختلال منجر می‌شود از این رو نقش دولت در این زمینه می‌تواند تأثیرگذار باشد از طرفی دیگر حکومت‌ها نیز با وضع قوانین کارشناسانه و اقدامات و روش‌های بازدارنده می‌توانند نقش مؤثری را ایفا نمایند. درباره تخریب اموال عمومی قوانین مفصلی وجود دارد و برای مثال

قانونگذار برای برخی انواع وندالیسم تا ۱۰ سال مجازات حبس در نظر گرفته است. مشکل اینجاست که این قوانین به گونه‌ای جامع و مانع و به صورت گسترده اعمال نمی‌شود. با این توضیح که اگر وندالیسم در خدمت هدفی بزرگ تر نظیر مخدوش کردن امنیت عمومی، ایجاد خطر فاحش برای دیگران و خسارت به یک نهاد خاص باشد، فرد متخلف از اعمال قانون درباره عملش می‌هراسد و گرنه تخریب مثلاً یک باجه تلفن به صورت جزئی هرگز ترس از جریمه و اعمال مجازات را در بر ندارد.

۳-۶. راهبردهای حقوق کیفری برای مقابله با اوباشگری تماشگران

در خصوص حوادث ناشی از عملیات ورزشی، بند «ث» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بدین صورت مورد عملیات ورزشی را که به بروز حوادثی منجر شوند، با شرایطی مورد حمایت قرار داده و قابل مجازات ندانسته است و بدین نحو اشعار می‌دارد: عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد. به نظر می‌رسد با توجه به نص صریح ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، به هیچ وجه نمی‌توان اعمال خشونت‌آمیز تماشگران را همانند اعمال ورزشکاران در نظر گرفت و از مصونیت مذکور در این ماده بهره‌مند کرد، چراکه هر چند در متن ماده مذکور به صراحت بیان نشده است که شخص مرتکب الزاماً باید ورزشکار باشد، ولی از ذکر عبارت «عملیات ورزشی» به این نتیجه می‌رسیم که طرفین عملیات ورزشی الزاماً باید ورزشکار باشند. از این رو افعال خشونت‌آمیز تماشگران رشته‌های ورزشی (حتی اوباشگری در ورزشگاه) باید براساس کلیات و عموماً قانون مجازات اسلامی به خصوص قسمت تعزیرات بررسی شود.

در این زمینه از آنجا تماشاگران در رشته‌های ورزشی و به خصوص فوتبال، به صورت جمعی به تماشای رقابت ورزشی می‌روند، از این رو یکی از مهم‌ترین عناوین مجرمانه‌ای که در خصوص اوباشگری تماشاگران، مصداق پیدا می‌کند، «منازعه» موضوع ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی است. مطابق این ماده چنانچه عده‌ای (بیش از سه نفر) با یکدیگر درگیر شوند و به یکدیگر آسیب و صدمه‌ای وارد آورند، هر یک از شرکت کنندگان در نزاع (اعم از اینکه ضارب یا قاتل شناسایی شود یا نه) به مجازات‌های مذکور در این ماده محکوم می‌شوند. نکته حائز اهمیت در این ماده این است که مقنن صرف دخالت در نزاع

را ملاک قرار داده است نه اینکه ایراد صدمات به عمد حادث شده باشد. از این رو حتی ممکن است مجازات مذکور در این ماده علیه مصدوم نیز اجرا شود. همچنین رفتارهای اوباشگرانه تماشگران بعضاً می‌تواند با عناوین مجرمانه دیگری مانند ایراد ضرب و جرح عمدی، تخریب اموال عمومی یا اموال اشخاص عادی مطابقت داشته باشد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود مقنن کیفری ایران به طور مشخص برای مقابله با اوباشگری تماشگران تدابیر خاصی که با شرایط ارتکاب این پدیده مطابقت داشته باشد، پیش بینی نکرده و با اینکه فضای ارتکاب اوباشگری در ورزشگاه‌ها با محیط‌های دیگر متفاوت است، برخورد یکسانی مشاهده می‌شود. از این رو به نظر می‌رسد بررسی آیین‌نامه انضباطی فدراسیون فوتبال در این خصوص می‌تواند مفید فایده باشد، چراکه نگارندگان در این پژوهش اولاً حقوق کیفری به معنای اعم را مد نظر قرار داده‌اند و ثانیاً تنبیهات پیش‌بینی شده در این آیین‌نامه در مواردی مشابهت زیاد با آنچه در حقوق کیفری به معنای خاص اعمال می‌شود دارد و ثالثاً به نظر می‌رسد حتی کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال نیز در مواجهه با اوباشگری تماشگران با چالش‌هایی مواجه است و نمی‌تواند از حداکثر ظرفیت خود استفاده کند.

با توجه به اینکه تماشگران نیز مطابق ماده ۳ آیین‌نامه انضباطی فدراسیون فوتبال، در دامنه شمول این مصوبه قرار دارند، باید دید تدابیری که برای مقابله با اوباشگری تماشگران اندیشیده شده است چیست. با مرور مواد این مصوبه مشاهده می‌شود که در آیین‌نامه انضباطی برای خشونت تماشاگران دو نوع تنبیه در نظر گرفته شده است؛ برخی از این تنبیهات برای تماشاگری است که اغتشاش کرده و رفتار خشونت‌آمیز از او سر زده است که چنانچه شناسایی شود، علیه همان تماشاگر به عنوان شخص حقیقی اجرا می‌شود و برخی دیگر مربوط به باشگاه و تیم است که به واسطه خشونت تماشگران منتسب به آنها، تنبیهاتی برایشان در نظر گرفته شده است. ویژگی بارز این تدابیر اولاً توسعه مسئولیت اشخاص حقوقی و ثانیاً توسل بیش از حد به جزای نقدی است.

برای نمونه از مجموع آرای صادره در کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال، تخلفات تماشگران در رقابت‌های فوتبال، بیشترین تعداد آرا را به خود اختصاص داده است؛ اما مهم‌ترین راهکار و حربه‌ای که این کمیته این فوتبال، بیشترین تعداد آرا را به خود اختصاص داده است؛ اما مهم‌ترین راهکار و حربه‌ای که این کمیته برای مقابله با خشونت

تماشاگران از آن استفاده می‌کند، جریمه نقدی است (صادقی‌پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۷). برای نمونه بند ۸ ماده ۲۲ آیین نامه انضباطی فدراسیون فوتبال در خصوص تنبیه شخص تماشاگر اشعار می‌دارد: «در صورت حدوث هرگونه وقفه در روند مسابقه، در صورت شناسایی، فرد متخلف که منشأ ایجاد وقفه در جریان بازی شده است، به جریمه نقدی تا سیصد میلیون ریال محکوم خواهد شد». همان طور که ملاحظه می‌شود، هر چند حداکثر مبلغ جریمه مندرج در این بند بسیار سنگین است و از این حیث، هیچ سختی با شرایط تماشاگران فوتبال ایران ندارد، ولی از این نظر که حداقلی برای میزان جریمه نقدی ذکر نشده است، می‌توان امیدوار بود که شرایط تماشاگر در زمان صدور حکم لحاظ خواهد شد به عبارت دیگر با توجه به اینکه بیشتر تماشاگرانی که برای تماشای فوتبال به ورزشگاه می‌آیند، کم سواد، مجرد، بیکار و جوان هستند، از این رو در نظر گرفتن چنین تنبیهی برای این قشر از جامعه، نشان از عدم احاطه بر موضوع و روشن نبودن مسئله برای مقنن دارد، چراکه نتایج تحقیقات به عمل آمده در خصوص وضعیت خانوادگی، معیشت و میزان درآمد تماشاگران فوتبال حاکی از آن است که تماشاگران فوتبال در ایران از لحاظ درآمدی در حد بسیار پایینی‌اند و حتی والدین آنها نیز اغلب در مشاغل کم درآمد فعالیت دارند.

مورد دیگری که به تنبیه فرد تماشاگر اشاره دارد، ماده ۲۲ و ذیل بند ۳ است. مطابق این بند، در صورت شناسایی تماشاگر متخلف، وی به مدت دو سال از ورود به ورزشگاه منع خواهد شد. شایان ذکر است که این تنبیه در نظر گرفته شده نیز با ایرادات جدی مواجه است؛ چراکه اولاً تماشاگران در کشور ما ساماندهی نشده‌اند، به نحوی که محل قرار گرفتن تماشاگران بر اساس شماره بلیت نیست و هر فردی که زودتر وارد ورزشگاه شود، می‌تواند در هر جایی که تمایل دارد مستقر شود؛ ثانیاً برای اخذ بلیت جهت حضور در ورزشگاه، مدارک هویتی افراد بررسی نمی‌شود. از این رو با توجه به ساختار فوتبال ایران، این تنبیه به هیچ وجه قابلیت اجرا پیدا نخواهد کرد. مگر اینکه برای رفع این ابراد، فرد خاطی را ملزم کنیم که در مواقع برگزاری مسابقات فوتبال در آینده، خود را به محلی مشخص مانند کلانتری محل معرفی کند و تا پایان مسابقه در آنجا حضور داشته باشد.

در خصوص تنبیهات مختص باشگاه‌ها (اشخاص حقوقی) که در آیین نامه انضباطی فدراسیون فوتبال به آنها اشاره شده است، باید اذعان کرد این تنبیهات بسیار متنوعند. ماده

۲۱ این مصوبه تنبیهاتی را که برای اشخاص حقوقی قابل استفاده است، بیان کرده است که برخی از آنها برای مقابله با اوباشگری تماشاگران استفاده می‌شود. برای نمونه بندهای ۵ و ۶ و ۷ ماده ۲۲ به پرتاب اشیای مترقبه یا آتش‌زا و انفجاری به زمین مسابقه هجوم هواداران منتسب به هر تیم به داخل ورزشگاه در زمان برگزاری مسابقه و ... اشاره دارند. آنچه در این بندها به وضوح قابل مشاهده است، رویکرد اتخاذشده در آیین نامه انضباطی فدراسیون فوتبال برای مقابله با اوباشگری تماشاگران و مبتنی بر تمرکز بر مسئولیت اشخاص حقوقی است. شایسته‌تر آن بود که در هر مورد، تنبیه شخص حقوقی منوط به عدم شناسایی شخص حقیقی می‌شد یا حداقل در صورت شناسایی متخلف، برای شخص حقوقی تخفیف بیشتری قائل می‌شدند. اهمیت این امر وقتی بیشتر حس می‌شود که بدانیم با توجه به عدم سازماندهی تماشاگران تیم‌ها، فرض حضور تماشاگری از یک تیم در بین تماشاگران تیم رقیب، اصلاً بعید نیست.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جهان امروز مجموعه‌های ورزشی مراکزی هستند که یکی از پرتراکم‌ترین گردهمایی‌ها و همایش‌های انسانی را برگزار می‌کنند. حضور تماشاگران در رقابت‌های ورزشی می‌تواند دارای پیامدهای مثبت و منفی زیادی باشد. اوباشگری تماشاگران از پیامدهای منفی حضور تماشاگران در ورزش است که رشته ورزشی فوتبال به دلیل حجم بالای تماشاگرانش چه در استادیوم و چه بیرون از آن، زمینه مساعدی را برای بروز آن فراهم می‌کند. در این زمینه چه اوباشگری تماشاگران بعضاً با عناوین مجرمانه‌ای مانند توهین، منازعه، ایراد ضرب و جرح عمدی و تخریب اموال عمومی مطابقت دارد، چالش‌هایی که حقوق کیفری در مواجهه با اوباشگری تماشاگران با آنها مواجه است، سبب شده است برخوردی شایسته و مطابق مواد مذکور نسبت به اوباشگری تماشاگران به عمل نیاید و با وجود مسلم بودن برخی عناوین مجرمانه، اغلب با رسیدگی در کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال خاتمه می‌یابد و کمتر شاهد آنیم که این موارد برای رسیدگی به دادگاه ارجاع شود. در نظر گرفتن ملاحظاتی از جمله ویژگی خاص تماشاگران فوتبال در ایران (نوجوان، محصل، بیکار، مجرد، درآمد پایین و ...)، اهمیت و نقش مثبت تماشاگران در توسعه ورزش و اینکه اوباشگری تماشاگران بیش از هر چیز تحت تاثیر جو حاکم بر ورزشگاه و محصول رفتار افراد در جمع است، سبب شده حقوق کیفری (به معنای اعم)

نتواند از تمام ظرفیت خود برای مقابله با پدیده اوباشگری در تماشاگران استفاده کند. از این رو به ناچار سیاست خاصی را در آیین‌نامه انضباطی فدراسیون فوتبال اتخاذ کرده که بر دو اصل مهم بنا شده است؛ اولین اصل توسعه مسئولیت اشخاص حقوقی است و اصل دوم توسل بیش از حد بر تنبیه جریمه نقدی است. اتکای کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال بر این تنبیه به حدی است که جرأت می‌توان گفت این کمیته در تأمین هزینه‌ها فدراسیون، همانند یک اسپانسر عمل می‌کند.

در نهایت با توجه به چالش‌هایی که حقوق‌کیفری در جهت مقابله با پدیده اوباشگری تماشاگران در فوتبال با آن مواجه است، باید گفت که یک راهبرد کارآمد و موفق برای مقابله با اوباشگری تماشاگران الزاماً نباید صبغه کیفری و سرکوبگرانه داشته باشد، نکته‌ای که متأسفانه در قانونگذاری‌ها و سیاست‌های کیفری تاکنون مغفول مانده و مورد بی‌مهری قرار گرفته است. از این رو پیشنهاد می‌شود مقرون به صرفه‌ترین راه حل‌ها در این زمینه استفاده از تدابیر پیشگیرانه است، چراکه به لحاظ ویژگی‌هایی که برای رفتار جمعی تماشاگران برشمردیم، امکان به کارگیری تدابیر سرکوبگرانه حقوق کیفری در این حوزه به نتایج مطلوب منتهی نخواهد شد. از این رو تدابیری از جمله امکان بازبینی حوادث بحث‌انگیز، مستقر کردن ماموران مخفی در داخل محافل تماشاگران متعصب، استفاده هدفمند از دوربین‌های مدار بسته به منظور تلقین حس دیده شدن، تربیت نیروی پلیس متخصص برای کنترل رفتار جمعی تماشاگران، مکانیزه کردن فرایند فروش بلیت از طریق اینترنت و ساماندهی سکوها و صندلی‌های ورزشگاه از طریق شماره‌گذاری آنها و ثبت مشخصات تماشاگری که در آن محل مستقر است، بهبود امکانات رفاهی ورزشگاه‌ها، توجه به نقش نخبگان ورزشی، رسانه‌ها و تبلیغات، نقش جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و واحدهای فرهنگی باشگاه‌ها می‌تواند به کنترل بیشتر رفتار جمعی تماشاگران فوتبال کمک کند.

فهرست منابع

- اباذری، یوسفعلی (۱۳۸۱)، نوربرت الیاس و فرایند متمدن شدن، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۱۹.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، **جامعه‌شناسی انحرافات**، تهران: انتشارات سمت.
- ادیبی، حسین و عبدالمعبود انصاری (۱۳۸۳)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی**، تهران: نشر دانش.
- ارونسون، الیوت (۱۳۷۳)، **روان‌شناسی اجتماعی**، ترجمه حسین شکرشکن، تهران: نشر رشد.
- اسدی، حسن و همکاران (۱۳۸۹)، مطالعه ابعاد مختلف امنیت در گردشگری ورزشی ایران، **مطالعات مدیریت گردشگری**، پاییز، شماره ۱۳.
- الهی، علیرضا و زهرا پورآقایی اردکانی (۱۳۸۳). بررسی وضعیت استادیوم‌های فوتبال کشور در مقایسه با استانداردهای اروپایی، **حرکت**، شماره ۱۹: ۶۳-۶۹.
- انوارالخولی، امین (۱۳۸۱)، **جامعه و ورزش**، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران: انتشارات سمت.
- اهولا، اسو؛ هتفیلد، براد (۱۳۷۲)، **روان‌شناسی ورزش با رویکرد روانی اجتماعی**، ترجمه رضا فلاحی و محسن حاجیلو، چ اول، تهران: سازمان تربیت بدنی.
- ایولاسال، ژان (۱۳۷۹)، رویکرد جرم‌شناسی به خشونت در ورزش (بحثی در زمینه جرم‌شناسی عملیات ورزشی)، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، **نشریه تحقیقات حقوقی**، شماره ۲۹ و ۳۰.
- پارسامهر، مهربان و رحمت‌الله ترکان (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر هواداری افراد از تیم‌های فوتبال لیگ ایران، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره دوازدهم، شماره ۳.
- جارویس، مت (۱۳۸۰)، **روان‌شناسی ورزشی**، ترجمه نور علی خواجه‌وند، تهران: انتشارات کوثر.
- جوان جعفری، عبدالرضا و صادق صفری (۱۳۹۳). چالش‌های حقوق کیفری در مواجهه با خشونت ورزشکاران در فوتبال، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری دانشگاه علامه طباطبائی**، سال سوم، شماره ۹.
- دغاقله، عقیل و سمیرا کلهر (۱۳۸۹)، **آسیب‌های شهری در تهران: وندالیسم، دختران فراری، زنان سرپرست خانوار و تکدی‌گری**، انتشارات جامعه‌شناسان.
- رحمتی، محمد مهدی (۱۳۸۲). **بررسی پرخاشگری و خشونت در ورزش فوتبال**، رساله دکتری علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- رحمتی، محمد مهدی (۱۳۸۳). **بررسی اعتبار تجربی تئوری ناکامی - پرخاشگری**، تماشاگران فوتبال شهر تهران، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال چهارم، شماره ۱۴.
- رحمتی، محمد مهدی (۱۳۸۸). **جامعه‌شناسی خشونت ورزشی**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رحیمی، قاسم، علی محمد امیرتاش، محمد خیبری (۱۳۸۰). **بررسی مدیریت ایمنی در ورزشگاه‌های فوتبال کشور از دیدگاه تماشاگران**، بازیکنان و مدیران اجرایی، **مجله پژوهش در علوم رفتاری**، شماره ۴.
- رزاقی اصل، سینا (۱۳۸۶)، **مفهوم تخریب‌گرایی در فضاهای عمومی شهر**، **نشریه آبادی**، شماره ۶۳.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۱). **روان‌شناسی اجتماعی**، ویرایش دوم، تهران: آوای نور.
- سختوت، جعفر (۱۳۸۳)، **جامعه‌شناسی انحرافات**، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

شریفی، رضا (۱۳۸۸). بررسی ابعاد روان‌شناختی خشونت‌گرایی جمعیت اغتشاشگر و روش‌های تأثیرگذاری بر آن، *فصلنامه مطالعات بسیج*، سال دوازدهم، شماره ۴۵.

شکریبگی، عالیه (۱۳۸۵) *وندالیسم در تهران؛ علل و عوامل*، سایت اینترنتی جامعه‌شناسی ایران. شیخاوندی، داور (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه ایران*، تهران: نشر قطره صادقی پور، حمیدرضا، نادر رهنما، آمنه رهنما (۱۳۸۹). مسائل انضباطی دوره ششم لیگ برتر فوتبال ایران، *فصلنامه پژوهش در علوم ورزشی*، شماره ۲۸، پاییز.

صفری، صادق (۱۳۹۳). *ارزیابی سیاست کیفری ایران در قبال خشونت ورزشی با تأکید بر رشته ورزشی فوتبال*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

عبدلی، بهروز (۳۸۵۴). *مبانی روانی - اجتماعی تربیت بدنی و ورزش*، تهران: بامداد کتاب. عنبرآبادی، م. (۱۳۸۱). *بررسی علل خشونت‌گرایی در میان تماشاگران فوتبال*، طرح پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد تهران، کارفرما: معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا.

فاضل، ر. و میری آشتیانی، ا. (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی اجتماعی ایران؛ نگاهی به آینده*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

فتحی‌نیا، محمد (۱۳۸۹). *آسیب‌شناسی برنامه‌های ورزشی تلویزیون از نظر نحوه پرداختن به ناهنجارهای رفتار تماشاگران فوتبال*، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، سال هفدهم، شماره ۴.

فروم، اریک (۱۳۶۴)، *آناطومی ویران‌سازی انسان*، ترجمه صبوری، تهران: نشر فرهنگ. قاسمی، وحید، وحید ذوالاکتاف، علی نورعلیوند (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی ورزش؛ وندالیسم و اوباشی گری در ورزش فوتبال*، تهران: جامعه‌شناسان.

قدیمی، بهرام (۱۳۹۰). *ورزش در شهر تهران*، تهران: جامعه و فرهنگ.

کوئن، بروس (۱۳۸۴)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا. کوئن، بروس (۱۳۸۷). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس عباسعلی توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.

معاونت اجتماعی ناجا (۱۳۷۵)، *فوتبال، خشونت، هویت اجتماعی*، تهران: اداره کل پژوهش و تألیفات.

ویلیامز، جان، اریک دانینگ و پاتریک مورفی (۱۳۷۹). *کندوکاوی در اوباش‌گری در فوتبال*، ترجمه و تلخیص حسن افشار، تهران: نشر مرکز.